



دوفصلنامه مطالعات اسلامی خانواده و زنان

سال سوم / دوره ۴ / شماره ۴ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

ویژه نامه جنگ رمضان و مقاومت

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران /

مجمع آموزش علوم اسلامی کوثر

مدرسه علمیه تخصصی کوثر سلام الله علیها

مدیرمسئول: خدیجه جلالی

سرمدیر: زهرا سادات میر هاشمی

اعضای هیئت تحریریه

کبری پور عبدالله (استادیار گروه فقه دانشگاه امام صادق) / فریبا حاجیعلی (دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء) / طوبی شاکری گلپایگانی (دانشیار فقه و حقوق جزا دانشگاه تربیت مدرس) / فریبا عباسوند (دانشیار پژوهشکده زن و خانواده) / معصومه مظاهری (استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و حقوق) / راضیه معصومی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران) / صدیقه مهدوی کنی (دانشیار پردیس خواهران، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق) / زهرا سادات میر هاشمی (دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامیدانشکده الهیات دانشگاه الزهراء)

مدیر اجرایی: سمیه صیادی

صفحه آرایی، چاپ و صحافی: منیژه گلستانی

چاپ و نشر: نشر هالجر

تهران، خیابان پانزده خرداد، خیابان شیخ فضل الله نوری، پلاک ۱۸

تلفن: ۰۲۱۵۵۶۰۲۸۵۷ کدپستی: ۱۱۱۴۷۸۴۶۴۳

Jie-kowsar@whc.ir

<https://jie-kowsar.whc.ir>

شاپا چاپی: ۲۷۸۳۴۳۶۰

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

۱. مشخصات نویسنده / نویسندگان: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، شماره تماس و نشانی الکترونیکی در فایل جداگانه ارسال گردد.
۲. حجم هر مقاله بیش از ۷۵۰۰ کلمه نباشد. مقالات پرحجم جهت تلخیص برگردانده خواهد شد.
۳. چکیده فارسی، عصاره مقاله است و باید حداکثر ۱۵۰ کلمه باشد (بیان مسأله یا موضوع، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به دستاوردها).
۴. واژگان کلیدی فارسی، حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.
۵. مقدمه، شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش است.
۶. در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به این موارد پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم مطالب در قالب محورهای مشخص.
۷. نتیجه‌گیری، شامل یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف در نظر گرفته شده از انجام پژوهش، مقاله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد تحقیق است.
۸. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
۹. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
۱۰. ارجاعات، به شیوه درون‌متنی تنظیم و به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایاندن ترتیب انتشار، از حروف الف، ب، ج و ... استفاده شود و فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج گردد.
(أ) برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ سال انتشار داخل ()، نام کتاب؛ نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: ناشر.
(ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ «عنوان مقاله»؛ عنوان مجموعه (مجله)، شماره مجله، سال انتشار.
۱۱. ارسال، پیگیری، ارزیابی، اصلاحات، تأیید نهائی و انتشار مقاله، تنها از طریق سامانه Jie-kowsar@whc.ir انجام می‌پذیرد.

فهرست مطالب

رسالت اجتماعی حضرت زینب علیها السلام در امتداد عاشورا: الگوی تاریخی جهاد	
تبیین از منظر آموزه‌های انقلاب اسلامی / فاطمه آبادی	۷
امنیت روانی خانواده در شرایط تهدید جنگ: تحلیل آیه محور قرآن کریم و	
الگویابی رفتاری از زنان عصر نبوی و علوی / رضا صفری	۲۱
جستاری بر شاخصه‌های قرآنی تربیت مقاومت محور در سیره حضرت	
زینب علیها السلام / طاهره محسنی	۳۳
تحلیلی بر عرصه جهاد در الگوی سوم زن برگرفته از زندگی / حضرت فاطمه	
زهر علیها السلام ، میرزا علی کتابی، دلبر شجاع آبا جلو	۵۵
آینده پژوهی نقش زنان در تقویت نیروهای داوطلب جبهه مقاومت / مشهوده	
بیکزاد، حمیده ادیب	۷۱
شاخصه های حکمرانی امام خامنه ای / مریم اسماعیلی پیرزان	۸۷



The Social Mission of Hazrat Zeynab in the Continuation of Ashura: The Historical Model of Jihad of Clarification from the Perspective of the Teachings of the Islamic Revolution

Fatemeh Abadi

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran
f.abadi@alzahra.ac.ir

Abstract

The social and jihadist mission of Hazrat Zeynab (PBUH) after the event of Ashura represents a unique model of women's conscious agency in historical transformations. Through her eloquent sermons in Kufa and Sham, she not only exposed oppression and proved the righteousness of the Ahl al-Bayt (AS) but also prevented the distortion of historical truths. These actions constitute a perfect embodiment of "Jihad of Clarification" (Jihad al-Tabyin)—a strategic movement designed beyond emotional reactions to preserve pure Muhammadan Islam. According to the views of the martyred leader (Imam Khamenei), the conduct of Hazrat Zeynab (PBUH) remains instructive today, demonstrating how courage, intelligence, and insight can effectively convey the reality of conflict and contemporary events to both the present generation and future ones. The findings indicate that her approach provides a key roadmap for preserving religious identity and countering deviations in every era, particularly in the current time when global oppressors have resorted to armed warfare against the front of truth. Thus, drawing inspiration from this noble example reinforces the nation's resilience and illuminates the path toward liberation.

Keywords: Hazrat Zeynab, Ashura, Jihad of Clarification (Jihad al-Tabyin), Sermons of Kufa and Sham, Women's Mission.

الرسالة الاجتماعية للسيدة زينب عليها السلام في امتداد عاشوراء: النموذج التاريخي لجهد التبیین من منظور تعالیم الثورة الإسلامية

فاطمة آبادي

أستاذة مساعدة، قسم علوم القرآن والحديث، كلية اللاهوت، جامعة الزهراء عليها السلام، طهران
f.abadi@alzahra.ac.ir

الملخص

تُعَدُّ الرسالة الاجتماعية والجهادية للسيدة زينب عليها السلام بعد واقعة عاشوراء نموذجاً فريداً في الدور الواعي للمرأة في التحولات التاريخية. فمن خلال خطبها البليغة في الكوفة والشام، لم تكتفِ بكشف الظلم وإثبات حقانية أهل البيت عليهم السلام، بل تصدّت أيضاً لمحاولات تحريف الحقائق، مما جعل هذه الأفعال تجسيدا تاماً لمفهوم "جهاد التبیین"؛ أي الحركة الاستراتيجية التي تهدف إلى حفظ الإسلام المحمدي الأصيل، متجاوزةً بذلك ردود الأفعال العاطفية إلى وعي عميق وتبصّرٍ نافذ. وتؤكد آراء القائد الشهيد (قدس سره) أن سلوك السيدة زينب عليها السلام لا يزال مرشداً ومعيناً اليوم، إذ يبيّن كيف يمكن بالشجاعة والفطنة والبصيرة أن تنقل حقيقة الصراع وأحداث العصر إلى الجيل المعاصر والأجيال القادمة. تظهر نتائج البحث أن سيرتها تشكل خريطة طريق جوهرية للحفاظ على الهوية الدينية، ومكافحة الانحرافات في كل عصر، لاسيما في زماننا الذي يواجه فيه المستكبرون جبهة الحق بأدوات العدوان المسلح. ومن ثمّ، فإن استلهاهم هذه السيرة النبوية يعزز صمود الأمة ويضيء درب التحرر.

الكلمات المفتاحية: السيدة زينب عليها السلام، عاشوراء، الجهاد، جهاد التبیین، خطب الكوفة والشام، رسالة المرأة.

رسالت اجتماعی حضرت زینب علیها السلام در امتداد عاشورا: الگوی تاریخی جهاد تبیین از منظر آموزه‌های انقلاب اسلامی

فاطمه آبادی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران

f.abadi@alzahra.ac.ir

چکیده

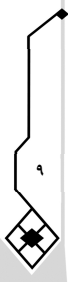
رسالت اجتماعی و جهادی حضرت زینب علیها السلام پس از واقعه عاشورا الگویی بی‌نظیر از نقش‌آفرینی آگاهانه زنان در تحولات تاریخی است. ایشان با بیان خطبه‌های کوفه و شام، نه تنها به افشای ظلم و اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام پرداختند، بلکه مانع از تحریف واقعیات شدند. این کنش‌های حضرت زینب علیها السلام نمونه‌ای کامل از «جهاد تبیین» بود؛ حرکتی راهبردی که فراتر از واکنش‌های عاطفی، برای بقای اسلام ناب محمدی طراحی شده بود. براساس دیدگاه‌های رهبر شهید علیه السلام، رفتار حضرت زینب علیها السلام امروز نیز راهگشاست و نشان می‌دهد چگونه می‌توان با شجاعت، هوشمندی و بصیرت، حقیقت جنگ و وقایع زمان خویش را به مردم هم‌عصر خود و نسل‌های بعد منتقل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد اقدامات ایشان یک نقشه راه کلیدی برای حفظ هویت دینی و مقابله با انحرافات در هر عصری به‌ویژه دوران حاضر که مستکبران جهان در برابر جبهه حق راهکار جنگ مسلحانه را در پیش گرفته‌اند، محسوب می‌شود. کلیدواژگان: حضرت زینب علیها السلام، عاشورا، جهاد، جهاد تبیین، خطبه‌های کوفه و شام، رسالت زن.

مقدمه

نقش زنان در تحولات تاریخ اسلام به ویژه ایفای رسالت حضرت زینب کبری علیها السلام پس از واقعه عاشورا، الگویی جاودانه برای فعالیت اجتماعی آگاهانه است. ایشان با حفظ پیام قیام امام حسین علیه السلام و افشای حقیقت در برابر تحریفات امویان، پیش درآمدی بر مفهوم نوین «جهاد تبیین» بودند؛ مفهومی که رهبر شهید رحمته الله آن را در مواجهه با جنگ نرم دشمنان و بازسازی روایت های تاریخی تأکید کرده اند (بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی-تحلیلی در پی تبیین ابعاد جهاد تبیینی حضرت زینب علیها السلام از زمان بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا پایان حیات ایشان است. هر نهضت حق طلبانه ای در معرض خطر تحریف قرار دارد و حکومت اموی تلاش کرد قیام امام حسین علیه السلام را تحریف کند؛ اما حضرت زینب علیها السلام با خطبه های خود در کوفه و شام، روایت رسمی را شکستند و وجدان عمومی را بیدار کردند. این رویکرد کاملاً منطبق با ضرورت جهاد تبیین در عصر حاضر است که رسانه های دشمن مشغول تحریف مفاهیم دینی اند.

واقعیت تاریخی نشان می دهد عاشورا تجلی طرحی الهی برای حفظ دین و نجات مردم از جهل بود؛ چنان که امام حسین علیه السلام فرمودند: «إني لم أخرج أشراً ولا بطراً... وإنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۱۱۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از تولد امام حسین علیه السلام به این واقعه اشاره



داشتند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۲۵۰-۲۵۱) و خود امام نیز در برابر توصیه‌های ابن عباس و دیگران، اراده الهی را مقدم دانستند (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ۳۱). همچنین در گفت‌وگو با ام سلمه و محمد حنفیه، اسارت خانواده را بخشی از مشیت الهی معرفی کردند (قمی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲ / ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۶۴۶۵).

هدف از قیام، مبارزه با ظلم و جهل بود؛ در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است: «وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ خَيْرَةِ الْجَهَالَةِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۲۸ / طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۱۳). در منطق اسلام، مسئولیت تبیین این اهداف الهی بر عهده حضرت زینب علیها السلام گذاشته شد تا نشان دهد زن مسلمان می‌تواند در سرنوشت سازترین عرصه‌ها نقش آفرین باشد. اگرچه پژوهش‌هایی مانند *زنان عاشورایی* (یزدان‌پناه، ۱۳۸۳)، *نقش زنان در حماسه عاشورا* (مزینانی، ۱۳۹۰)، *نقش زنان در تدوین نهضت حسینی* (صادقی سنگدهی، ۱۳۹۳) و مقاله «حضرت زینب علیها السلام قهرمان جهاد تبیین» (زنگویی، ۱۴۰۲) به بررسی نقش ایشان پرداخته‌اند، اما تحلیل جامع رسالت اجتماعی ایشان با محوریت مؤلفه‌های جهاد تبیین کمتر صورت گرفته است. این مقاله با تمرکز بر خطبه‌ها و رفتارهای حضرت زینب علیها السلام در صدد است الگوی «جهاد تبیین» ایشان را برای زنان مسلمان در دنیای معاصر بازخوانی کند.

۱. جهاد تبیین

مفهوم «جهاد تبیین» یکی از کلیدواژه‌های بنیادین در گفتمان انقلاب اسلامی



است که در سال‌های اخیر به‌ویژه در بیانات رهبر شهید علیه السلام جایگاهی محوری یافته است. این اصطلاح برخاسته از سنت قرآنی و نبوی است و در امتداد آن، به مثابه ابزاری راهبردی در مواجهه با جنگ روایت‌ها، تحریف‌گری رسانه‌ای و ابهام‌سازی فکری در جامعه اسلامی به کار گرفته شده است.

جهاد تبیین به معنای تلاشی عالمانه و هدف‌مند برای روشن‌سازی حقایق، مقابله با تحریف‌ها و ارائه روایت صحیح در برابر افکار عمومی است. رهبر شهید علیه السلام این وظیفه را فوری، قطعی و همگانی دانسته و آن را راهکاری برای شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن می‌دانند (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹). این مفهوم تنها اطلاع‌رسانی نیست، بلکه مجاهدتی معرفتی است که روشنگری را با نگاه تمدنی پیوند می‌زند. به نظر می‌رسد جهاد تبیین، بر اساس بیانات رهبر شهید علیه السلام، دارای شش مؤلفه کلیدی است:

الف) خنثی‌سازی تلاش دشمن: مقابله مستقیم با پروپاگاندا و تبلیغات غلط دشمن (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت ^(ع)، ۱۴۰۰/۱۱/۳ / بیانات در دیدار مردم قم، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹).

ب) افشاگری در برابر تحریف: جلوگیری از تسلط دشمن بر ذهن‌ها از طریق دروغ‌پردازی و ارائه روایت‌های جعلی (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹ / بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۴۰۱/۹/۵ / بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۹/۲۱).

ج) آگاه‌سازی و غفلت‌زدایی: خنثی‌سازی توطئه دشمن برای نگه‌داشتن



افکار عمومی در ابهام و ناآگاهی (بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۷/۵).

(د) پاسخ به شبهات: مقابله با شبهات خطرناک که می‌توانند آسیب‌های بیشتری از جنگ نظامی داشته باشند (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴۰۱/۵/۵).

(ه) استفاده از ابزار روزآمد: بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و عصری برای اثرگذاری در عرصه نبرد نرم (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

(و) امیدآفرینی: ترسیم افق روشن و مبارزه با یأس و بدبینی که ابزار اصلی دشمن در جنگ ترکیبی است (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲/۱/۱).

از منظر تاریخی و قرآنی، جهاد تبیین استمرار رسالت انبیا در هدایت و تبیین حق است. خداوند متعال در آیه ۶۷ سوره مائده (ترجمه آیتی) پیامبر (علیه السلام) را به ابلاغ کامل وحی فراخوانده است تا حقیقت کتمان نشود. همچنین احادیث معصومین، به ویژه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره احیای امراهل بیت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۸۰) و حدیث امام رضا (علیه السلام) درباره آموزش علوم اهل بیت (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰۷)، مسئولیت مؤمنان را در زنده نگه داشتن و ترویج حقایق دینی تأکید می‌کنند. در این راستا واقعه عاشورا صحنه‌ای از این منازعه بود که رسالت تبیینی از امام حسین (علیه السلام) به حضرت زینب (علیه السلام) منتقل شد و ایشان به عنوان الگوی کامل جهاد تبیین شناخته می‌شوند.

۲. رسالت اجتماعی زنان در اندیشه اسلامی

اسلام با حفظ کرامت انسانی و نقش‌های خانوادگی زن، او را به مشارکت فعال در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دعوت می‌کند. قرآن کریم در آیه ۷۱ سوره توبه (ترجمه آیتی)، مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را همزمان بردوش مردان و زنان مؤمن قرار داده، هیچ یک را از این وظیفه اجتماعی معاف نمی‌داند. تاریخ اسلام نیز الگوهای متعددی از زنان اثرگذار را نشان می‌دهد؛ از جمله حضرت زهرا علیها السلام که با خطبه فدکیه روشنگری سیاسی-اجتماعی کرد و حضرت زینب علیها السلام که مسئولیت تحقق اهداف قیام امام حسین علیه السلام پس از عاشورا را بر عهده گرفت.

روایتی از امام سجاد علیه السلام جایگاه علمی و بصیرت حضرت زینب علیها السلام را تأیید می‌کند؛ ایشان «عالمه غیر معلمه» و «فهیمه غیر مفهمه» معرفی شدند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۵). بلاغت و قاطعیت کلام ایشان آن چنان بود که حاضران گفتند: «گویی از زبان علی علیه السلام سخن می‌گویی» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۴). حرکت ایشان همراه کاروان حسینی یک تصمیم آگاهانه اجتماعی-سیاسی و جزئی از طرح الهی برای حفظ دین بود نه صرفاً یک پیوند عاطفی.

حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا با صبری شگفت‌انگیز مانع از فروپاشی روحی کاروان شدند و اسارت را به فرصتی برای گسترش پیام عاشورا تبدیل کردند. حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت امام حسین علیه السلام با سخنانی مانند: «یا محمداه، هذا حسین بالبراء...» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۹۵۸)، ضمن یادآوری جایگاه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فلسفه شهادت، معنای فداکاری و پیامی جاودان



برای تاریخ را تبیین کردند. این جهاد زبانی کوتاه اما پرمغز، نمونه‌ای بی‌نظیر از هنر تبیین در بحران‌های بزرگ تاریخی است.

۳. خطبه‌ها به مثابه جهاد تبیین

پس از واقعه عاشورا میدان نبرد از شمشیر به اندیشه و روایت تغییر یافت؛ جایی که حضرت زینب علیها السلام فرمانده جهاد تبیین برای مقابله با جهالت امت و تحریف دشمن بود. اوج این نبرد در دو خطبه تاریخی ایشان در کوفه و شام نمایان شد.

الف) خطبه حضرت در کوفه: خطبه کوفه با هدف بیداری وجدان عمومی و پاسخ به شبهات درباره قیام امام حسین علیه السلام ایراد شد. هدف آن حضرت با استفاده از مؤلفه‌های جهاد تبیین عبارت بودند از:

- افشاگری و سرزنش: با یادآوری خیانت و عهدشکنی کوفیان و تمثیل قرآنی آنان به «زنی که نخ را می‌گسلد»، بی‌ثباتی رفتاری آنها را افشا کردند: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ... كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۴).

- پاسخ به شبهات: با معرفی امام حسین علیه السلام به عنوان «جگرگوشه رسول خدا» و «تکیه‌گاه امت»، هرگونه ادعای خروج یا فتنه‌گری را رد کردند: «قُتِلَ سَلِيلُ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۴).

- استفاده از ابزار روزآمد: سخنرانی در مرکز تجمع مردم، بهره‌گیری از بلاغت، شعرو آیات قرآن به گونه‌ای که کلام ایشان یادآور امیرالمؤمنین علیه السلام بود، نشان‌دهنده هوشمندی در روش تبلیغ آن عصر است.

ب) خطبه حضرت در شام: خطبه شام در فضایی انجام شد که حکومت اموی با پروپاگاندا سعی در تحریف کامل واقعیت و تثبیت مشروعیت یزید داشت. حضرت زینب علیها السلام با شکستن این فضای روانی، مؤلفه‌های زیر را اجرا کردند:

- خنثی‌سازی تلاش دشمن: با خطاب قراردادن یزید به نام «ابن الطلقاء» و یادآوری نسب پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه فرو دست یزید را نسبت به اهل بیت آشکار کردند و مشروعیت ادعایی او را زیر سوال بردند: «أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۸۱-۱۸۲).

- افشاگری در برابر تحریف: با استناد به آیه قرآن درباره مهلت دادن به کافران، ادعای پیروزی الهی یزید را و این ترفند را که برنده جنگ، طرف ظالم است، رد و افشا کردند: «... مَهْلًا مَهْلًا ... لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۸۲).

- آگاه‌سازی و غفلت‌زدایی: با بیان اینکه شهدای عاشورا زنده‌اند و نزد پروردگار روزی می‌خورند، ناآگاهی مردم شام را رفع و یزید را نه یک فاتح بلکه قاتل عترت پیامبر معرفی کردند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۸۴).

- استفاده از ابزار روزآمد: بهره‌گیری از آیات قرآن، تصویرسازی‌های بلاغی و لحنی کوبنده برای تأثیرگذاری حداکثری بر مخاطبان.

- امیدآفرینی: با اعلام قطعی شکست کید یزید و بقای جاودانه نام اهل بیت، ترس را از دل مخاطبان خارج کرده و آینده روشن حق را ترسیم نمودند: «فَكَيْدُ

كَيِّدَكَ ... لَا تَمَحُودُ كَرْنَا ...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۸۵) و با استناد به آیه «وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ» (انفال: ۱۸، ترجمه آیتی) وعده نابودی نیرنگ دشمن را دادند.

این خطبه‌ها نمونه‌ای کامل از جهاد تبیین‌اند که در آن، حضرت زینب علیها السلام با هوشمندی سیاسی و معنوی، روایت تحریف‌شده دشمن را خنثی و حقیقت عاشورا را برای همیشه ثبت کردند.

۴. پیوند خطبه شام با آموزه‌های انقلاب اسلامی

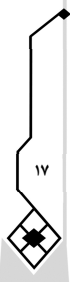
بازخوانی خطبه شام حضرت زینب علیها السلام فراتر از یک رویداد تاریخی، الگویی راهبردی برای مبارزه تمدنی با ظلم، تحریف و تهاجم نرم است که مستقیماً با گفتمان «جهاد تبیین» در انقلاب اسلامی همسوست. رهبر شهید علیه السلام این جهاد را وظیفه‌ای قطعی، فوری و همگانی دانسته و آن را مصداق عینی رفتار حضرت زینب علیها السلام در برابر نظام تبلیغاتی قدرت‌مند یزید می‌دانند؛ چنان‌که ایشان حقیقت را بی‌پرده گفت و روایت عاشورا را از تحریف نجات داد.

انقلاب اسلامی ایران نیز از بدو تأسیس بر منطق «افشاگری» و «روشنگری» استوار بوده است. رهبر شهید علیه السلام عاشورا و قیام حضرت زینب علیها السلام را «بزرگ‌ترین کلاس جهاد تبیین» معرفی کرده‌اند. در «بیانیه گام دوم انقلاب» نیز بر لزوم بازگ کردن گفتمان عدالت، معنویت، عزت و ایستادگی به زبان جهان تأکید شده که تنها از طریق جهاد تبیین امکان‌پذیر است. پیام حضرت زینب علیها السلام امروز به الگویی برای رسانه، سخن‌وری و دیپلماسی فرهنگی تبدیل شده است؛ همان

گونه که امام خمینی علیه السلام از «صدور انقلاب» سخن گفتند و رهبر شهید علیه السلام بر «تشکیل جبهه رسانه‌ای حق طلب» در برابر امپراتوری رسانه‌ای باطل تأکید کردند. اگر خطبه شام را متن اصلی جهاد تبیین بدانیم، وظیفه نیروهای فرهنگی، رسانه‌ای، حوزوی و دانشگاهی امروز، «ترجمه» آن به زبان‌های نوین (رسانه، دانشگاه، دیپلماسی و هنر) است. امروزه اشکال تحریف تغییر کرده، دیگر در قالب خلافت یزیدی نیست، بلکه در قالب تهاجم رسانه‌ای، تخریب چهره انقلاب، وارونه‌نمایی مفاهیم دینی و ایجاد یأس ظاهر می‌شود؛ اما اصل وظیفه ثابت است. احیای «سبک زینبی» شامل صداقت در کلام، شجاعت در افشاگری، معنویت در نگاه و اخلاص در هدف، باید در دستور کار فعالان عرصه فرهنگ قرار گیرد تا انقلاب اسلامی همچون عاشورا، با جهاد تبیین، مسیر خود را به سوی آینده‌ای تمدن‌ساز باز کند.

نتیجه‌گیری

رسالت اجتماعی حضرت زینب علیها السلام پس از عاشورا واکنشی احساسی نبود، بلکه کنشی عمیق و هدف‌مند برای تبیین حقیقت، حفظ هویت دینی و مقابله با تحریف تاریخی بود که نقطه اوج آن در «خطبه شام» رخ داد؛ رویدادی که نه تنها قدرت تبلیغاتی یزید را شکست، بلکه الگویی جاودانه برای «جنگ شناختی» و جهاد تبیین بر جای نهاد. تحلیل خطبه‌های کوفه و شام نشان می‌دهد ایشان با بهره‌گیری از نقد اجتماعی، افشاگری سیاسی، تثبیت حافظه تاریخی و تقویت هویت ایمانی، دقیقاً منطبق بر دیدگاه رهبر شهید علیه السلام مبنی بر «ضرورت مبارزه با



جنگ روایت‌ها» عمل کردند.

در منظومه فکری رهبر شهید علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام تجسم تام جهاد تبیین‌اند؛ الگویی مبتنی بر سه محور شناخت صحنه و دشمن، استفاده صحیح از ابزار و روایت و ایستادگی مؤمنانه در برابر فشارها. این تبیین، حرکتی تمدنی و آینده‌ساز است نه صرفاً گفتاری. بنابراین انقلاب اسلامی برای مقابله با سلطه رسانه‌ای و جنگ شناختی استکبار جهانی، نیازمند بازگشت دائمی به این الگوست؛ جایی که حوزه، دانشگاه، رسانه، هنر و آموزش عمومی باید با ابزارهای نوین اما با جوهره الهی، همانند حضرت زینب علیها السلام که با قرآن، عدالت و تاریخ سخن گفت، به تبیین بپردازند.

خطبه شام سندی زنده برای آزادگان است و بازتولید این گفتمان وظیفه‌ای قطعی برای نخبگان انقلابی محسوب می‌شود. اگر عاشورا فرهنگ «مقاومت» را آموخت، حضرت زینب علیها السلام با خطبه خود فرهنگ «تبیین مقاومت» را یاد داد و انقلاب اسلامی هر دو را در مأموریت تمدنی خود پیوند داده است. رسالت ایشان امروز نیز الگویی عینی برای زنان مسلمان است تا با الهام از این سبک، نقش آفرینی فعال و مسئولانه‌ای در عرصه‌های جهادی داشته باشند.

منابع و ماخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی للصدوق*، تهران: کتابچی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا* علیه السلام. تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ ش). *التهذیب فی قتلی الطفوف*. ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران: جهان.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ ش). *کامل الزیارات*. تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضویه.
۵. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ ق). *مکاتیب الائمة*. تحقیق مجتبی فرجی، قم: دار الحديث.
۶. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴). *ترجمه قرآن*. تهران: سروش.
۷. بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۴۱۳ ق). *عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال*. تصحیح محمدباقر موحد ابیطحی، قم: مؤسسه الامام المهدی.
۸. طبرسی، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الاحکام*. تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۲). *در کربلا چه گذشت* (ترجمه نفس المهموم). ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *کافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Psychological Security of the Family Amidst the Threat of War: A Quranic Verse-Based Analysis and Behavioral Modeling Based on Women of the Prophetic and Alawite Eras

Reza Safari

PhD graduate in the History of Islam, Shiraz University
safari1391@gmail.com

Abstract

This study aims to extract and synthesize the theoretical foundations of psychological security from the Holy Quran and practical behavioral patterns from the lives of women in the early Islamic era, in order to present an Islamic model for family resilience against the threats of war. Methodology: The research employed a qualitative approach using "thematic analysis." Theoretical data were derived through the "thematic interpretation" of Quranic verses concerning war, anxiety, and tranquility. Historical data were examined via "narrative analysis" of women's behaviors as recorded in primary historical sources (such as *Al-Sirah al-Nabawiyah* and *Bihar al-Anwar*). Finally, these two datasets were integrated into a unified model. Findings: The findings were obtained at two levels: 1. Quranic foundations across five main themes: "attaining tranquility through remembrance (Dhikr)"; "the psychological function of reliance on God (Tawakkul)"; "patience as an active strategy"; "redefining the concept of fear"; and "deriving meaning through divine promises." 2. Behavioral patterns of women across four key roles: "active supporter and healer"; "guardian and promoter of the discourse of truth"; "manager of economic and educational affairs"; and "rational advisor." Synthesizing these findings led to the design of a "faith- and action-based family resilience model."

Keywords: Psychological security, family resilience, wartime crisis management, conduct of Muslim women, Islamic psychology.

الأمن النفسي للأسرة في ظل تهديد الحرب: تحليلٌ مستندٌ إلى الآيات القرآنية ونمذجة سلوكية استناداً إلى نساء العصرين النبوي والعلوي

رضا صفري

حاصل على الدكتوراه في تاريخ الإسلام، جامعة شيراز

safari1391@gmail.com)

الملخص

تهدف هذه الدراسة إلى استخلاص وتأسيس النظرية للأمن النفسي من القرآن الكريم، وتحديد الأنماط السلوكية العملية من حياة النساء في صدر الإسلام، وذلك لتقديم نموذج إسلامي لمرونة الأسرة في مواجهة تهديدات الحرب. المنهجية: اعتمد البحث المنهج النوعي مستخدماً أسلوب "التحليل الموضوعي"؛ حيث استُمدت البيانات النظرية من خلال "التفسير الموضوعي" للآيات القرآنية المتعلقة بالحرب والقلق والسكينة، بينما جرى فحص البيانات التاريخية عبر "التحليل السردى" لسلوكيات النساء كما وردت في المصادر التاريخية الأولية (مثل "السيرة النبوية" و"بحار الأنوار"). وأخيراً، تم دمج هاتين المجموعتين من البيانات في نموذج موحد. النتائج: تم التوصل إلى النتائج على مستويين: ١. الأسس القرآنية التي تتوزع على خمسة محاور رئيسية: "تحقيق السكينة من خلال الذكر"، و"الوظيفة النفسية للتوكل على الله"، و"الصبر كاستراتيجية فاعلة"، و"إعادة تعريف مفهوم الخوف"، و"استمداد المعنى من الوعود الإلهية". ٢. الأنماط السلوكية للنساء عبر أربعة أدوار محورية: "الداعمة والمعالجة الفاعلة"، و"حارسة خطاب الحق والمروجة له"، و"مديرة الشؤون الاقتصادية والتعليمية"، و"المستشارة العقلانية". وقد أدى تضافر هذه النتائج إلى تصميم "نموذج للمرونة الأسرية يركز على الإيمان والعمل".

الكلمات المفتاحية: الأمن النفسي، المرونة الأسرية، إدارة الأزمات في زمن الحرب، سلوك المرأة المسلمة، علم النفس الإسلامي.

امنیت روانی خانواده در شرایط تهدید جنگ: تحلیل آیه محور قرآن کریم و الگویابی رفتاری از زنان عصر نبوی و علوی

رضا صفری

دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه شیراز

safari1391@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش با هدف استخراج و تلفیق مبانی نظری امنیت روانی از قرآن کریم و الگوهای عملی رفتاری از سیره زنان صدر اسلام، به منظور ارائه مدلی اسلامی برای تاب آوری خانواده در برابر تهدیدات جنگ انجام شده است. روش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش «تحلیل مضمون» انجام شد. داده‌های نظری با «تفسیر موضوعی» آیات مرتبط با جنگ، اضطراب و آرامش در قرآن کریم استخراج گردید. داده‌های تاریخی نیز از طریق «تحلیل روایت» رفتار زنان در منابع دست اول تاریخی (السيرة النبویه و بحارالانوار) واکاوی گردید. سپس این دو مجموعه داده در قالب یک مدل یک پارچه تلفیق شد. یافته‌ها: یافته‌ها در دو سطح به دست آمد: ۱. مبانی قرآنی در پنج مضمون اصلی: «تأمین طمأنینه از طریق ذکر»، «کارکرد روان شناختی توکل»، «صبر به مثابه استراتژی فعال»، «بازتعریف مفهوم ترس»، «معنا بخشی از طریق وعده‌های الهی». ۲. الگوهای رفتاری زنان در چهار نقش کلیدی: «پشتیبان و درمانگر فعال»، «حافظ و مبلغ گفتمان حق»، «مدیر اقتصادی و تربیتی»، «مشاور عقلانی». تلفیق این یافته‌ها منجر به طراحی «مدل تاب آوری خانواده مبتنی بر ایمان و کنش» گردید. کلیدواژگان: امنیت روانی، تاب آوری خانواده، مدیریت بحران جنگ، سیره زنان مسلمان، روان شناسی اسلامی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، سنگ بنای هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و بستر اصلی رشد، بالندگی و تعالی نسلی محسوب می‌شود؛ از این رو سلامت، پویایی و استحکام آن مستقیماً بر سلامت و ثبات کل جامعه تأثیرگذار است. در میان ابعاد گوناگون سلامت خانواده، «امنیت روانی» جایگاهی کلیدی دارد؛ به گونه‌ای که فقدان آن می‌تواند زمینه‌ساز انواع اختلال‌های روحی، رفتاری و چالش‌های خانوادگی و اجتماعی شود. امنیت روانی خانواده به معنای ایجاد فضایی سرشار از آرامش، اطمینان، پذیرش، احترام متقابل و حمایت عاطفی است که اعضای خانواده به‌ویژه کودکان، احساس امنیت و تعلق خاطر کرده، بتوانند هویت خود را گسترش دهند. در دنیای امروز، خانواده‌ها بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدیدات متنوع بیرونی قرار دارند. یکی از مخرب‌ترین و اضطراب‌آورترین این تهدیدات، «جنگ» است. جنگ نه تنها خرابی‌های مادی و تلفات جانی به بار می‌آورد، بلکه عمیق‌ترین و ماندگارترین آسیب‌های روانی را برپیکره فرد، خانواده و جامعه وارد می‌کند. دلهره ناشی از احتمال وقوع جنگ، ترس از دست دادن عزیزان، تجربه مستقیم خشونت و ویرانی، آوارگی و محرومیت‌های ناشی از آن، همگی عواملی هستند که امنیت روانی اعضای خانواده را به شدت متزلزل می‌کنند. در این میان زنان به عنوان محور عاطفی خانواده و مدیر اصلی کانون خانه، نقشی حیاتی در حفظ تعادل روانی و تاب‌آوری خانواده در چنین شرایط بحرانی ایفا می‌کنند. توانمندی یا ناتوانی آنان در مدیریت استرس، حفظ آرامش و انتقال حس امنیت به سایر اعضای خانواده، تعیین‌کننده میزان آسیب‌پذیری یا استحکام خانواده در برابر

امواج ویرانگر جنگ خواهد بود.

تمدن اسلامی با پشتوانه و حیانی قرآن کریم و سیره عملی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام همواره در پی تبیین راهکارهایی برای مواجهه با سختی‌ها و بحران‌ها بوده و در این میان به جایگاه خانواده و نقش زنان توجه ویژه‌ای داشته است. آیات فراوانی در قرآن کریم به موضوع صبر، استقامت، توکل و حمایت از خانواده در شرایط دشوار اشاره دارند و سیره زنان تاریخ اسلام مملو از الگوهای عملی و الهام‌بخش در مواجهه با تهدیدها و بلاهاست. با این حال پژوهش‌های نظام‌مند اندکی به تلفیق این دو منبع (نص و تاریخ) برای پاسخ به مسئله «امنیت روانی خانواده در جنگ» پرداخته‌اند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که «مبانی نظری استخراج‌شده از قرآن کریم و الگوهای رفتاری زنان در تاریخ صدر اسلام چگونه می‌تواند چارچوبی برای تأمین و ارتقای امنیت روانی خانواده در شرایط تهدید جنگ فراهم آورد؟».

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه روان‌شناسی و جنگ: حجم گسترده‌ای از تحقیقات به «اختلال استرس پس از سانحه» (PTSD) در سربازان و غیرنظامیان پرداخته‌اند (Karam et al, 2014). تحقیقات جدیدتر بر «تاب‌آوری خانواده» به عنوان یک واحد متمرکز شده‌اند (Patterson, 2002)؛ اما جایگاه جهان‌بینی دینی در این مدل‌ها عموماً کم‌رنگ است.

در حوزه مطالعات اسلامی: تحقیقاتی با موضوع «جنگ در قرآن» - مثل پژوهش‌های آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه - یا «نقش زنان در جنگ‌های صدر اسلام» - مانند آثار بنت الشاطی - انجام شده است. اما تمرکز این آثار عمدتاً



تاریخی یا فقهی بوده و پیوند مستقیم و نظام‌مند آن با روان‌شناسی خانواده در بحران کمتر برقرار شده است.

خلا پژوهشی: بنابراین خلا اصلی، پژوهشی بینارشته‌ای است که با روشی نظام‌مند، داده‌های قرآنی و تاریخی اسلام را در چارچوبی روان‌شناختی-خانوادگی تلفیق کند. این پژوهش دقیقاً در پی پرکردن این خلا است.

۳. مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از سه رهیافت است: الف) روان‌شناسی مثبت‌نگر و تاب‌آوری: با تأکید بر کارکرد «منابع درونی و بیرونی» که به خانواده کمک می‌کند تا در برابر بحران‌ها نه تنها مقاومت کند، بلکه رشد یابد (Masten, 2018).

ب) تفسیر موضوعی قرآن: به عنوان روشی برای استخراج نظام‌مند مفاهیم روان‌شناختی-اخلاقی از پراکندگی آیات مرتبط با یک موضوع (حجتی، ۱۳۷۸). ج) نظریه نقش‌های اجتماعی: برای تحلیل کنش‌های زنان در تاریخ اسلام نه به عنوان رویدادهای منفرد بلکه به عنوان الگوهایی برای ایفای «نقش‌های اجتماعی» در شرایط بحران (Turner, 2001).

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بر اساس رویکرد براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شده است. جامعه آماری: ۱) تمامی آیات قرآن کریم که به طور مستقیم-مانند آیات جهاد- یا غیرمستقیم-آیات مربوط به اضطراب، آرامش و صبر- به فضای تهدید و بحران مرتبط می‌شوند. ۲)



تمامی روایات و گزارش‌های تاریخی معتبر مربوط به رفتار زنان مسلمان در جنگ‌های زمان پیامبر ﷺ - مانند احد و خندق - و واقعه کربلا. ابزار گردآوری: فیش برداری کتابخانه‌ای از منابع دست اول (قرآن، تفاسیر معتبر، کتب تاریخی و روایی).

روش تحلیل: پس از گردآوری داده‌ها، کدهای اولیه از آیات و روایات استخراج شد. این کدها در مراحل بعدی در قالب «مضامین» سازمان‌دهی و درنهایت در یک مدل یک پارچه ارائه گردید.

۵. یافته‌های پژوهش

الف) مضامین قرآنی امنیت روانی در بحران جنگ

از تحلیل موضوعی آیات، پنج مضمون اصلی استخراج شد:

(۱) ذکر خدا به عنوان مکانیزم ایجاد طمأنینه: آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) به صراحت یک رابطه علی بین ذکر و آرامش قلبی برقرار می‌کند. این ذکر، در شرایط جنگ، از حالت فردی خارج شده و به یک «منبع جمعی آرامش بخش» برای خانواده تبدیل می‌شود.

(۲) توکل: انتقال مرکز کنترل از بیرون به درون: دستور «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا» (مائده: ۲۳) در سیاق مواجهه با دشمن نشان می‌دهد توکل یک «بازسازی شناختی» است. فرد نتیجه کار را از کنترل عوامل بیرونی (قدرت دشمن) خارج کرده و به اراده الهی واگذار می‌کند. این امر بار اضطراب را به شدت کاهش می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۳۲۳).

(۳) صبر به مثابه فرایند فعال مدیریت روانی: قرآن صبر را در آیات جنگ - مانند آل عمران: ۲۰۰ - نه یک حالت انفعالی بلکه یک فرایند فعال و سه بعدی



معرفی می‌کند: «اصبروا» (شکیبایی فردی)، «صابروا» (پایداری جمعی در برابر دشمن)، «رابطوا» (مرزبانی و آمادگی مستمر). این سه گانه، چارچوب کاملی برای مدیریت روانی خانواده از سطح فردی تا اجتماعی ارائه می‌دهد.

۴) بازتعریف ترس: از دشمن به خداوند: آیه «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا» (آل عمران: ۱۷۵) یک جابه‌جایی پارادایمیک ایجاد می‌کند. ترس مخرب -از دشمن- نفی و به «خوف» سازنده از خدا تبدیل می‌شود. این خوف منبع احتیاط، تدبیر و اطاعت است نه فلج‌کنندگی.

۵) معنا بخشی از طریق وعده‌های الهی: آیاتی مانند «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) یا وعده نصرت و پاداش اخروی (توبه: ۱۱۱)، به شرایط سخت جنگ «معنا» می‌بخشد. خانواده مؤمن، جنگ را نه یک فاجعه محض بلکه یک «صحنه آزمایش» و «میدان کسب فضیلت» می‌بیند. این نگاه، تحمل‌پذیری بحران را به شدت افزایش می‌دهد (فرانکل، ۱۹۴۶).

ب) الگوهای رفتاری زنان: از سیره تا نقش‌آفرینی

تحلیل روایات تاریخی چهارالگوی نقش‌آفرینی را نشان داد:

۱) نقش پشتیبانی و درمان‌گری فعال: نسیم بنت کعب (ام‌عمار) در غزوه احد، با دفاع فیزیکی از پیامبر ﷺ و مداوای مجروحان، این نقش را تجسم بخشید (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۱-۱۲۳). این کنش، هم «مشارکت زن» را از حاشیه به متن دفاع می‌آورد و هم با عمل درمان‌گری، اضطراب مجروحان و خانواده‌های آنان را کاهش می‌دهد.

۲) نقش حفاظت و تبلیغ گفتمان حق: حضرت زینب رضی الله عنها پس از کربلا با خطبه‌های خود در کوفه و شام، از تحریف روایت واقعه جلوگیری کرد. او در



شرایط اسارت، کانون ثبات عاطفی برای کودکان و زنان اسیر بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۳). این نقش نشان می‌دهد امنیت روانی، تنها به معنای نبود تهدید فیزیکی نیست، بلکه به معنای «حفظ معنای جمعی» و «انسجام روایی» خانواده و جامعه نیز هست.

۳) نقش مدیریت اقتصادی و تربیتی: سیره همسران شهدا - مانند همسران شهدای احد و کربلا - نشان می‌دهد آنان با پذیرش مسئولیت معیشت و تربیت فرزندان، مانع از فروپاشی اقتصادی و فرهنگی خانواده پس از فقدان سرپرست شدند. این نقش، ستون فقرات «تاب‌آوری درازمدت» خانواده است.

۴) نقش مشاوره عقلانی و تعدیل هیجانات: تأکید روایات بر مشورت با زنان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۵۴) در شرایط بحران جنگ اهمیت دوچندان می‌یابد. زن می‌تواند با عقلانیت و دوری از هیجان‌زدگی، از تصمیمات مخاطره‌آمیز خانواده - مانند تخلیه بی‌برنامه محل سکونت - جلوگیری کند.

۶. بحث و ارائه مدل نهایی

از ترکیب مبانی قرآنی و الگوهای تاریخی می‌توان یک مدل کاربردی استخراج کرد:

سطح اعتقادی: خانواده بر پایه «ذکر خدا»، «توکل» و «نگاه اخروی» به حوادث، بازتعریف می‌شود. منبع امنیت از عوامل مادی به خداوند منتقل می‌گردد.

سطح ارتباطی: فضای خانواده با «صبر» فعال و «امید» به نصرت الهی، به جای ترس و یأس، مدیریت می‌شود. گفت‌وگوهای خانوادگی حول مضامین قرآنی و الگوهای تاریخی شکل می‌گیرد.

سطح کنشی: زنان و مردان، هریک در جایگاه خود، نقش‌های فعالی

می‌پذیرند. مرد در صورت لازم برای دفاع آماده می‌شود و زن با الگوگیری از زنان صدر اسلام، نقش «مدیر بحران داخلی»، «پشتیبان عاطفی و اطلاعاتی» و «حافظ اقتصاد و تربیت» را ایفا می‌کند. این تقسیم کار مبتنی بر توانمندی‌ها، نه جنسیت‌های کلیشه‌ای، باعث افزایش کارآمدی و احساس کارآمدی در خانواده می‌شود.

سطح اجتماعی: خانواده‌های دارای امنیت روانی می‌توانند به عنوان سلول‌های تاب‌آور، شبکه‌های اجتماعی حمایتی تشکیل دهند - مانند کمک به خانواده شهدا و ایثارگران - و امنیت روانی را به کل جامعه تسری دهند.

نتیجه‌گیری

تهدید جنگ اگرچه یک بحران خارجی شدید است، می‌تواند با تکیه بر منابع غنی اسلامی، به فرصتی برای تعمیق ایمان، انسجام خانواده و بروز ظرفیت‌های قهرمانانه تبدیل شود. قرآن با ارائه مبانی نظری مانند طمأنینه، توکل و صبر، زیرساخت روانی لازم را می‌سازد. زنان تاریخ اسلام نیز با رفتارهای عینی خود - از پشتیبانی و درمان‌گری تا مدیریت بحران و حفظ پیام - الگوهای ملموس ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد امنیت روانی محصول انفعال و ترس نیست، بلکه محصول «فعالیت مسئولانه»، «ایمان نهاده شده» و «امید متکی به وعده‌های الهی» است. خانواده معاصر مسلمان می‌تواند با بازخوانی این آیات و سیره‌ها خود را در برابر طوفان‌های روانی ناشی از تهدیدات خارجی، واکسینه و تاب‌آور کند.



منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. ج ۱-۴، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، قاهره: مکتبه محمد علی صبیح.
۲. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۸). پژوهشی در تاریخ قرآن کریم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. شرف الدین، عبدالحسین (۱۳۸۰). المرأة فی الإسلام. ترجمه محمد حسین رحیمیان، قم: انتشارات انصاریان.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱-۲۰، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۱-۱۰، ترجمه و تحقیق گروهی از مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.
۶. قریشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. ج ۱-۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار^(ع). ج ۱-۱۱۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ج ۱-۲۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ج ۱-۱۸، قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث.

10. Braun, V., & Clarke, V. (2006). *Using thematic analysis in psychology*. Qualitative Research in Psychology
11. Frankl, V. E. (2006). *Man's search for meaning*. Beacon Press. (Original work published 1946)
12. Hobfoll, S. E., Watson, P., Bell, C. C., Bryant, R. A., Brymer, M. J., Friedman, M. J., ... & Ursano, R. J. (2007). *Five essential elements of immediate and mid term mass trauma intervention: Empirical evidence*. Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes
13. Karam, E. G., Friedman, M. J., Hill, E. D., Kessler, R. C., McLaughlin, K. A., Petukhova, M., ... & Koenen, K. C. (2014). *Cumulative traumas and risk thresholds*.
14. Masten, A. S. (2018). Resilience theory and research on children and families: Past, present, and promise. Journal of Family Theory & Review.
15. Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 349–360. <https://doi.org/10.1111/j.3737.2002.00349-1741.X>
16. Turner, R. H. (2001). Role theory. In J. H. Turner (Ed.), *Handbook of sociological theory*, Springer.
17. Walsh, F. (2016). *Strengthening family resilience*. 3rd ed., Guilford Press



An Inquiry into the Quranic Characteristics of Resistance-Oriented Upbringing in the Seerah of Lady Zaynab (SA)

Tahereh Mohseni

Assistant Professor, Faculty Member, Imam Sadiq University (AS), Women's Campus

t.mohseni@isu.ac.ir

Abstract

One of God's paramount objectives in Quranic teachings is the moral upbringing of individuals and their adornment with ethical virtues. This theme holds great significance in the educational legacy of Lady Zaynab (SA); as a paragon of patience and resilience, she paved the way for a form of upbringing rooted in resilience on a global scale—a foundation that guarantees the well-being and felicity of all human societies. This research was conducted using a descriptive-analytical approach and library-based data collection. The findings indicate that, given the shifts in value systems, there is a need for a sound educational framework aligned with these changes—one that draws upon the Quranic conduct of Hazrat Zainab (SA) to address human needs regarding faith-based, monotheistic, devotional, and ethical upbringing. Consequently, replacing the current system with an authentic, resistance-oriented educational model inspired by Hazrat Zainab is essential, as it facilitates the dissemination of authentic Quranic culture across the three key dimensions of faith, worship, and ethics.

Keywords: Lady Zaynab (SA), the Holy Quran, faith-based and monotheistic upbringing, devotional upbringing, moral upbringing.



بحث في الخصائص القرآنية للتربية المقاومة في سيرة السيدة زينب عليها السلام

طاهره محسنی

أستاذ مساعد، عضو هيئة تدريس، جامعة الإمام الصادق عليه السلام - فرع الطالبات

t.mohseni@isu.ac.ir

الملخص

تُعَدُّ التربية الأخلاقية للأفراد وتحليلتهم بالفضائل من أبرز مقاصد الله في التعاليم القرآنية. ويكتسب هذا المحور أهمية بالغة في النموذج التربوي الذي قدّمته السيدة زينب عليها السلام؛ إذ مهّدت - باعتبارها مثالاً يُحتذى به في الصبر والصمود - الطريق لنهج تربوي يركز على الصمود والصلابة على نطاق عالمي، وهو أساس يضمن رفاهية المجتمعات البشرية وسعادتها. وتعتمد هذه الدراسة المنهج الوصفي التحليلي وتستند إلى أساليب البحث المكتبي تشير نتائج هذه الدراسة إلى أنه، في ظل التحولات التي تشهدها منظومات القيم، تبرز الحاجة إلى إطار تربوي رصين يواكب هذه التغيرات؛ إطار يستلهم السيرة القرآنية للسيدة زينب عليها السلام لتلبية الاحتياجات الإنسانية المتعلقة بالتربية الإيمانية والتوحيدية والتعبدية والأخلاقية. ومن ثم، فإن استبدال النظام الحالي بنموذج تربوي أصيل يعزز المرونة ويستند إلى "النموذج الزينبي" يُعد ضرورةً جوهريةً لهذا البحث؛ إذ يُسهم ذلك في نشر الثقافة القرآنية الأصيلة عبر الأبعاد الحيوية الثلاثة: التربية الإيمانية، والتعبدية، والأخلاقية.

الكلمات المفتاحية: السيدة زينب عليها السلام، القرآن الكريم، التربية الإيمانية والتوحيدية، التربية التعبدية، التربية الأخلاقية.

جستاری بر شاخصه‌های قرآنی تربیت مقاومت محور در سیره حضرت زینب علیها السلام

طاهره محسنی

استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق ^(ع)، پردیس خواهران

t.mohseni@isu.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف خداوند در آموزه‌های قرآنی، تربیت و آراسته شدن افراد به فضایل اخلاقی است. این مسئله در سیره تربیتی حضرت زینب علیها السلام از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا ایشان به عنوان الگوی صبر و مقاومت، زمینه تربیت مقاومت محور را در عرصه جهانی فراهم نموده که تضمین‌کننده سعادت همه جوامع بشری است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به جهت تحولاتی که در سیستم ارزش‌ها روی داده است، به یک نظام تربیتی صحیح منطبق با این تغییر و تحولات نیاز است تا با الگوگیری از سیره قرآنی حضرت زینب علیها السلام، پاسخ‌گوی نیازهای انسان‌ها در راستای تربیت ایمانی، توحیدی، عبادی و اخلاقی باشد؛ از این رو جایگزین شدن سیستم موجود با یک نظام تربیتی اصیل و مقاومت محور زینبی از ضروریات این پژوهش است؛ چراکه نشر فرهنگ اصیل قرآنی را در راستای سه شاخصه مهم تربیت ایمانی، عبادی و اخلاقی ممکن می‌سازد.

کلیدواژگان: حضرت زینب علیها السلام، قرآن کریم، تربیت ایمانی و توحیدی، تربیت عبادی، تربیت اخلاقی.

مقدمه

تربیت از مقوله‌های مهمی است که موفقیت و شکست آدمی را در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی رقم می‌زند؛ از این رو هدف تربیت از اهداف نظام آفرینش و نوع جهان‌بینی انسان جدا نیست. به همین منظور انسان برای پیمودن راه سعادت و بندگی نیازمند الگوهای مطمئن در عرصه عمل است تا بهترین و مطمئن‌ترین الگوی تربیتی را برای او ترسیم نماید. به همین منظور نگارنده با تأسی از سیره تربیتی حضرت زینب علیها السلام، ایشان را به عنوان الگوی مؤثر در عرصه تربیت مقاومت محور معرفی می‌کند تا با الگوگیری از این بانوی صبر و مقاومت، زمینه موفقیت و کمال را در بُعد فردی و اجتماعی برای افراد فراهم کند. تربیت مقاومت محور مانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، اهدافی را در راستای تحقق خواسته‌ها دنبال می‌کند که در بُعد فردی، زندگی خوب و در بُعد اجتماعی حفظ کرامت انسانی، هدف اساسی آن به شمار می‌رود (شریعتی، بی‌تا، ص ۱۸۴-۱۸۳).

۱. مفهوم‌شناسی

الف) تربیت

واژه تربیت در لغت به معنای تغییر و تحول تدریجی رو به کمال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۶) و تورم همراه با زیاد شدن (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۳۵) است؛ پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی‌ای که بالقوه در یک

شیء موجود است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۲، ص ۵۵۱).

ب) مقاومت

واژه مقاومت در لغت از ماده «قوم» به معنای ایستادگی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴۵، ص ۸۸۹)، استواری و استقامت بیان شده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۲۸۶). از منظر مفسران قرآنی در معنای اعتدال، دوری از افراط و تفریط، ثبات توأم با پیروی از راه خدا، دعوت و استقامت بر توحید و عقاید حق و اعمال صالحه ذکر شده است (زاهدی و ناجی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۳).

مقاومت در اصطلاح قرآنی از امر به صبر،^۱ امر به استقامت^۲ و امر به ثبات قدم^۳ به دست می‌آید که برگستره‌ای از معناهای مبارزه، مجاهده، استقامت بر توحید، حاکم نمودن دین الهی بر جریان زندگی و ایستادگی در برابر طاغوت دلالت می‌کند (یوسفی مقدم، ۱۳۹۹، ص ۶۰) که بیانگرایستادگی و سازش ناپذیری با ظلم و آمادگی همه جانبه برای حفظ داشته‌های مادی و معنوی و به دست آوردن ارزش‌های اصیل برای رسیدن به مقصد و مقصودهای مادی و

۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران: ۲۰۰).

۲. فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری: ۱۵).

۳. إِذْ يُغَشِّيكُمُ الثُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (انفال: ۱۱).



معنوی است (اعرابی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶).

ج) شاخصه

واژه شاخص در لغت به معنای برآمده، تیر، تیرک، نمودار است (معین، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۹۹۳). شاخص به عنوان علامتی است که مسیر را مشخص می‌کند و ما را در دستیابی به هدف کمک می‌کند (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹). مقصود از شاخصه در پژوهش حاضر معیارهایی است که مسیر تربیت مقاومت محور را با استناد به الگوی ارزشمند زینبی مشخص می‌کند.

۲. مبانی نظریه‌های مهم در باب مقاومت

بخشی از گفتمان مقاومت در نظام بین‌الملل معطوف به رهیافت‌های نئولیبرال، نئومارکسیستی و انتقادی است. مدل «گالتونگ» در بحث مقاومت نشان می‌دهد چگونه طبقه حاکم یک دولت امپریالیست می‌تواند از طبقه حاکم دولتی باشد که آماج رخنه امپریالیستی قرار گرفته است (رک: لیتل، ۱۳۸۹، ص ۶۲۵).

مدل «الرشتاین» در بحث مقاومت بیان می‌کند که کشورهای نیمه‌پیرامون گرچه به لحاظ اقتصادی موقعیت خود را تثبیت می‌کنند، از نظر سیاسی در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، ثبات بسیار کمتری خواهند داشت. علت آن را باید در ساختاری ارزیابی کرد که معطوف به کنترل اقتصادی جهان است (رک: سوری، ۱۴۰۰، ص ۲۵-۳۶). اما در نظریه قرآنی (رک: شعراء: ۲۶،

۱۴۱، ۱۶۰ و ۱۷۶ / حجر: ۸۰ / انعام: ۳۴ / مرسلات: ۴۵-۴۶)، مقاومت تنها بر بعد ایستادگی در برابر تهاجم دشمن و مشکلات اقتصادی و سیاسی دلالت نمی‌کند؛ بلکه شامل پایداری در برابر تکذیب‌ها، سخریه‌ها، تخریب‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها نیز می‌شود که آنها را در قالب صبر و استقامت، خودباوری و خودسازی، ایمان توحیدی و عبادی به وفور در سیره حضرت زینب علیها السلام می‌توان یافت.

۳. اصول تربیتی مقاومت محور

الف) اصل تعقل

در اصول نظام تربیت مقاومت محور حضرت زینب علیها السلام پیوند ناگسستنی بین تربیت و دستورهای عقلی و منطقی وجود دارد؛ برای نمونه از جمله کارهای مدبرانه و تربیتی که حضرت زینب علیها السلام بعد از شهادت امام حسین علیه السلام انجام دادند، برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و سیاه‌پوش نمودن محمل‌ها بود. هرچند این گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی‌ارزش تلقی می‌شد (اسماعیلی ابوالخیری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵)، درحقیقت همین کارهای باارزش و عاقلانه زمینه‌ساز قیامت و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست با تربیت نسل مقاومت محور، کاخ یزدیان را متزلزل، و اهداف اصلی نهضت امام حسین علیه السلام را جهانی کند.

ب) اصل تعدیل

غایت کمال انسانی و منتهای سیرکمالی انسان به اصل تعدیل بستگی دارد





که غفلت از آن، خسارت عظیم و شقاوت غیرقابل جبرانی را در بردارد (خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). قرآن کریم با توجه به آیه «قُلْ أَتُبَيِّتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَُمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۱۵) رعایت تقوا را اصل تعدیل می‌داند و این گونه آدمی را به مسیر کمال دعوت می‌کند.

یکی از عوامل موفقیت حضرت زینب علیها السلام در رساندن پیام امام حسین علیه السلام به جهانیان، تبلیغ با عمل بوده است. نمونه بارز آن منع کردن اسیران از گرفتن نان و خرما از مردم کوفه بود که فریاد می‌زدند: «ای اهل کوفه صدقه بر ما حرام است و آنان را از دست و دهان بچه‌ها می‌گرفتند و به سوی مردم می‌انداختند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۱۴).

ج) اصل زمینه‌سازی تربیتی

اصل زمینه‌سازی در محور مقاومت به تربیت افرادی نیاز دارد که در قالب وظیفه فردی پرورش و در مسیر ولایت و در مراتب ایمانی و تقوایی سیر نمایند. الگوی رفتاری حضرت زینب علیها السلام در ورود به کوفه این گونه بود که وقتی با کاروان اسرا وارد کوفه شدند، در شرایط خفقان و پراز ظلم کوفه، موقعیت مناسب را تشخیص داده و با اشاره به مردم از همه آنها خواستند که سکوت کنند و با انتخاب بهترین فرصت‌ها و زیباترین کلمات و جملات، شروع به خطابه نمودند (ر.ک: اسماعیلی ابوالخیری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴-۱۴۵) و این گونه مردم را در مسیر تحول، ظلم‌ستیزی و مقاومت محوری تربیت نمایند؛ زیرا با استناد به آیه «لَهُ

مُعَقِّبَاتٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (رعد: ۱۱) تا افراد تربیت و تحول و رشد نیابند، جامعه نیز تحول و رشدی نخواهد یافت.

۴. شاخصه‌های تربیتی مقاومت محور در سیره حضرت زینب علیها السلام

الف) تربیت ایمانی و توحیدی

تربیت ایمانی و توحیدی اصلی‌ترین تکیه‌گاه در مسیر تربیت مقاومت محور به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷). در قرآن کریم شرط تسلیم در برابر اوامر الهی را در درجه اول، ایمان به خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ» (یونس: ۸۴).

محور سیره حضرت زینب علیها السلام بر اساس ایمان به خدا و توحید است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹). در سیره حضرت زینب علیها السلام در اوج مصیبت و در کنار پیکر برادر (خداوند این قربانی کوچک را از ما قبول کن) (مقرم، ۱۳۹۱، ص ۳۷۱) خود را نمایان می‌کند. وقتی همه کمالات اخلاقی و تربیتی نفس، بر اساس توحید صحیح تنظیم شده باشد، محور اصلی نزاهت روح را که توحید ناب است، تأمین می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۸).

۱) ایمان به خداوند

ایمان از ریشه «امن» ضد «خوف» (سرمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۳) باور و تصدیق قلب، زبان و رفتار به حقیقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۶-۲۵)؛



نیرویی که بر اثر شناخت و گرایش حاصل شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹-۲۰۰).

کلام حضرت زینب علیها السلام «انی ما رایت الا جمیلا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۱۵) در پاسخ به طعنه پسر زیاد نیز حاکی از اعتماد و ایمان کامل حضرت به مقدرات خداوند است.

۲) توکل بر خداوند

توکل نوعی اعتماد کردن به خداوند همراه با توسل و تلاش است (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۶۸، ص ۱۱۶). حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید این گونه به دعا می کند: «ای پناهگاه آن که جز تو پناهی ندارد، ای تکیه گاه آن که جز تو پشوانه ای نمی شناسد. ای خدایی که سیاهی شب و سپیدی روز و روشنایی خورشید و صدای آرام درخت و آب بر تو سجده می کنند، ای خدا، ای خدا...» (مهاجرانی، ۱۳۹۴، ص ۲۸۸). این کلام حضرت زینب با استناد به آیه «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰). مؤمنان به سبب اینکه ایمان دارند که ناصر و معینی جز خداوند نیست، فقط بر او توکل می کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۵۷). توکل بر خداوند مانع از این می شود که پروردگار یکتا آنها را به خودشان واگذارد تا هلاک شوند (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۸۷). حضرت زینب علیها السلام در برابر بزرگ ترین قدرت مستکبر زمان خود در مجلس یزید این گونه خطابه می کند: «خدایا حق ما را بازگیر و از آن کس که به ما ستم کرد، انتقام بگیر و خشم خود را بر کسی که

خون‌های ما را ریخت و عهد ما را شکست و یاران ما را کشت و از ما پرده‌داری کرد، فرود آر» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۵-۱۳۳).

ب) تربیت عبادی

اساس و پایه تربیت عبادی با استناد به روایات «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۲) شناخت خداوند است. مقصود از تربیت عبادی، با استناد به آیه «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (بقره: ۱۴۷) یقین به حق بودن خداوندی است که نتیجه آن اطاعت و سرسپردگی کامل در اندیشه و عمل در برابر خدا و پیراستگی از همه رذایل اخلاقی و آراستگی به فضایل انسانی است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۴) که در سیره عملی حضرت زینب علیها السلام کاملاً مشهود است. شیخ جعفر نقدی در تأیید این مطلب چنین نقل می‌کند: «پنج تن آل عبا به تربیت، فرهنگ‌سازی و تهذیب زینب همت گماردند و همین بس که آنها ادب‌کننده و آموزگار باشند» (نقدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

تهذیب نفس

سرلوحه کار مؤمنان ابتدا با استناد به آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهِ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (نساء: ۴۹) باید پالایش روح و زدودن آثار سوء خودستایی، خودپسندی، غرور، تکبر و عجب از دل و قلب باشد (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۷۱-۳۷۴). علامه مامقانی در وصف تهذیب نفس حضرت زینب علیها السلام چنین نقل می‌کند: «من زینبی را بر زبان می‌آورم و توهم زینبی



می‌شنوی، اما چه می‌دانی که زینب کیست؛ وی عقیده بنی‌هاشم دارای صفات حمیده‌ای بوده است؛ چندان که احدی از زنان جز مادرش دارای چنین صفاتی نبوده و نیستند. زینب ماهی است که از پنج خورشید تابان کسب نور کرده است؛ ریشه پاک، زکات سرشار، مربیان بزرگ و تجربه حوادث بزرگ جهان، زینب را در عالی‌ترین مراتب انسانیت از جهت تهذیب نفس قرار داده است» (نبوی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹).

ج) تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل و ازبین‌بردن رفتارها، صفات و آداب غیراخلاقی در خود یا دیگران است (همت بناری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱). تربیت اخلاقی در دو رکن «شناخت فضایل و رذایل و رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی» و «به‌کارگیری شیوه‌هایی برای تقویت یا تضعیف آنها» می‌باشد (داوودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). تحقق تربیت اخلاقی در راستای مقاومت محوری مستلزم آگاهی - بخشی، خودسازی، صبر و استقامت است که در ادامه به شرح هریک پرداخته می‌شود:

۱) آگاهی بخشی

آگاهی بخشی به معنای شناخت، دانستن و فهمیدن است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۳۸). آگاهی بخشی در تربیت مقاومت محور شرط لازم برای هر مقاومت

و مبارزه‌ای علیه ظلم و استکبار و بیداری و آگاهی بخشی به مظلومان و ضعیفان است. نمونه قرآنی آگاهی بخشی حضرت موسی درباره قوم خویش در این آیه آمده است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، قَالُوا أَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (اعراف: ۱۲۸-۱۲۹).

در سیره حضرت زینب علیها السلام عنصر بیداری فطرت برای ایجاد تغییر و تحول در جامعه خویش به آگاه کردن مردم درباره آثار زیان بار استبداد یزید و یارانش و نشان دادن نقاط ضعف آن و ترسیم یک نظام مطلوب مطابق با فطرت انسان نیاز دارد (صفایی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴). از این رو آن حضرت با هدایت عقلی، دست به روشنگری جنایت یزید می‌زند: «سوگند به خدا هر دوست و دشمنی از گریه و گفتار زینب علیها السلام گریه کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۵۹).

۲) خود باوری و خودسازی

یکی از مهم‌ترین عوامل غلبه مستکبران بر توده مردم و به استضعاف کشیدن آنها القای این واقعیت تلخ است که توده مردم بدون تکیه بر ثروتمندان و صاحبان قدرت و ثروت قادر به ادامه حیات نیستند (سروش، بی‌تا، ص ۹۶). قرآن کریم برای مبارزه با چنین مستکبرانی، ابتدا روحیه خودباوری را در مؤمنان ایجاد می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید» (آل عمران: ۱۳۹). سپس به تقویت



این روحیه می‌پردازد و با گفتن اینکه شما خدایی دارید که آنها ندارند، آنها را مقاوم، امیدوار و با انگیزه برای مقابله با مستکبران می‌نماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا: و در راه تعقیب دشمن [هرگز] سست نشوید، [زیرا] اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند، ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند و خداوند، دانا و حکیم است» (نساء: ۱۰۴).

حضرت زینب علیها السلام نیز با تکیه بر همین خودباوری در خطاب به یزید به معرفی یزید و خاندان او می‌پردازد و می‌فرماید: و چگونه توقع امید و دلسوزی از آن کسی باشد که دهانش جگرپاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان روییده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۳-۱۳۵). کلام حضرت زینب به همراه مؤید قرآنی ذکر شده نشان می‌دهد رنج کشیدن از درد و جراحت، مختص مؤمنان نیست و کفار و ستمگران نیز در این امر شریک‌اند؛ اما مؤمنان به خداوند امید دارند و بر این باورند که در دنیا بر آنان پیروز می‌شوند و در آخرت از خداوند پاداش دریافت می‌کنند؛ اما کافران و ظالمان در مقابل این جراحت‌ها امید هیچ گونه پاداشی ندارند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۵).

۳) صبر

در آیات قرآن کریم از جمله در آیه شریفه «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (اعراف:

۱۳۷) صبر، اصلی مهم برای مبارزه با استکبار، مستکبران و تحمل مشکلات است. این اصل دلیل سیره قرآنی حضرت زینب علیها السلام برای مقاومت و تحمل مشکلات و مصیبت‌ها بود؛ به گونه‌ای که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا خطاب به حضرت زینب علیها السلام می‌فرماید: «خواهر جان با تو سوگندی دارم، بر آن وفا کن؛ چون کشته شدم چهره بر من خراش مکن و بر من وای مگو» (قمی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۷). صابر کسی است که در متن حادثه حضور دارد، مشکل را لمس می‌کند و صحنه مبارزه با استکبار و مستکبران را ترک نمی‌کند. اثر چنین صبری ثبات قدم است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۹۷) که پاداش آن با استناد به آیه «إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰) بی حساب است.

اگر انسان در راستای تربیت مقامات محور به هنگام سختی، ناراحتی و ظلم صبر نکند و استقامت ورزد، خداوند به یاری او می‌شتابد و روحیه او را تقویت می‌کند تا به آسانی در مقابل مشکلات استقامت کند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۰۲).

۴) استقامت

استقامت با به‌پا داشتن مؤمنان و افراد جامعه و پایداری در برابر مستکبران و مشکلات با توجه به آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲) محقق می‌شود. در استقامت حضرت زینب علیها السلام همین بس که با وجود تمامی مصائب، حتی دشمن اجازه سوگواری و گریه بر شهدا را از بازماندگان آنها سلب کرده بود؛ به گونه‌ای که به نقل علی بن حسین هر کسی که



گریه می‌کرد، دشمن سرش را با نیزه می‌کوفت (قمی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۶). این استقامت و ثبات حضرت زینب علیها السلام به گواه تاریخ از استقامت پدرش خبر می‌دهد؛ گویا در وجود او تمام کرامت‌ها و صفات پسندیده حضرت علی علیه السلام تبلور یافته است (ر.ک: الهی، ۱۳۷۵، ص ۶۲-۶۳). این سیره تربیتی بیانگر یکی از اهداف مهم تربیت مقاومت محور است که انسان باید به گونه‌ای تربیت شود که اعتلای روحی یابد و خود را از پستی و فرومایگی رهانیده، برای خود حرمت، شرافت و شخصیت قائل شود و بزرگواری خود را در همه حال حفظ کند (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۲۳).

نتیجه‌گیری

تربیت مقاومت محور از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در عصر حاضر است که نقش بسزایی در درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل و ازبین بردن رفتارها، صفات و آداب استکبارگری در خود یا دیگران دارد. نظام تربیت مقاومت محور همانند دیگر نظام‌های ارزشی دارای اهداف و اصول مشخصی است که از آموزه‌های قرآنی و سیره اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه سیره حضرت زینب علیها السلام سرچشمه گرفته است که در راستای اجرایی شدن همه ارزش‌ها و گسترش و تعمیق بندگی برای تربیت مقاومت محور قرار دارد. قلمرو مقاومت در آموزه‌های قرآنی تربیت محور حضرت زینب علیها السلام شامل سه اصل مهم تعدیل، تعقل و زمینه‌سازی است که با ایجاد و تقویت آنها در افراد می‌توان به اهداف زندگی متعالی دست یافت.

در این آموزه‌های تربیتی شاخصه‌های حضرت زینب علیها السلام تربیت ایمانی و توحیدی و تربیت عبادی است که افراد را در راستای تهذیب نفس و زودن آلودگی‌های درونی در خویش به سمت تربیت اخلاقی رهنمون می‌شوند تا با خودباوری، خودسازی و تقویت استقامت و صبر ابعاد مهمی از انسانیت و هدف‌داری را به نمایش گذارند. بر این اساس انسان مقاومت‌محور با یک دید منطقی و سالم به پیشامدهای زندگی در عرصه فردی و اجتماعی می‌نگرد؛ از این رو در برابر مشکلات، مقاومت و به حسن نیت گرداننده زمین پناه می‌برد و می‌داند که تنها چیزی که ممکن است موجب آشفتگی و پریشانی او شود، عملکرد خود اوست؛ در نتیجه وادار به حرکت می‌شود و هیچ‌گاه دچار یأس و پوچی نمی‌گردد (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵).





منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.
۲. احمدی، سعید (۱۳۹۵). *تاب‌آوری - نظریه‌های آن و ویژگی‌های افراد تاب‌آور*. تهران: سومین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی روانشناسی مشاوره و آموزش.
۳. اسماعیلی ابوالخیری، سکینه (۱۳۹۲). شرح تفسیر و تحلیل خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و دلالت‌های تربیتی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران مرکزی.
۴. اعرابی، غلام حسین (۱۳۹۹). مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری. *مطالعات علوم قرآنی*، (۱).
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ سخن*. تهران: نشر سخن.
۶. تهرانی، محمد حسین (۱۳۸۹). *رساله لب اللباب*. تحقیق هادی خسروشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۷. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*. قم: هجرت.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *تسنیم در تفسیر قرآن کریم*. قم: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *عصاره خلقت*. تنظیم محمد صفایی، چ ۲، قم: انتشارات اسراء.
۱۰. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۹). *معارف و معارف دایرة المعارف*

اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.

۱۱. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). *انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی (علیه السلام)*. چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۱۲. داودی، محمد (۱۳۸۷). *سیره تربیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.*
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت-دمشق: دارالعلم. الدارالشامیه.
۱۵. زاهدی، اصغر، و امین ناجی، محمدهادی (۱۳۹۸). *بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن. نشریه علمی مطالعات تفسیری*. (38) ۲۳۶-۲۲۱، ۴
۱۶. سرمدی، محمود (۱۳۸۰). *واژگان پژوهشی قرآن*. قم: انتشارات الهادی.
۱۷. سروش، محمد (بی‌تا). *استکبار و استضعاف در قرآن*. چ ۱، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۸. سوری، صفدر (۱۴۰۰). *منطق مقاومت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه علامه طباطبائی.
۱۹. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۱). *تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روش‌ها*. تهران: دوران.
۲۰. شریعتی، علی (بی‌تا). *فلسفه تعلیم و تربیت*. اصفهان: ثقفی.
۲۱. شعبانی، حسین (۱۳۸۲). *مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی*. تهران: رشد.



۲۲. صفائی، منیر (۱۳۹۴). استبداد/از دیدگاه قرآن. مراغه: دانشکده علوم قرآنی مراغه، کارشناسی ارشد.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: ناصر خسرو.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۷. عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۶). راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم. چ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. فتحعلی خانی، محمد (۱۳۸۶). آموزه های بنیادین علم اخلاق. چ ۱، تهران: انتشارات باشگاه اندیشه.
۲۹. فرهادیان، رضا (۱۳۷۵). پایه های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت. قم: نشر مؤلف.
۳۰. قمی، عباس (۱۳۸۸). سفینه البحار. چ ۳، مشهد: آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۱. قمی، عباس (۱۳۸۵). نفس المهموم. ترجمه: حمید باقر کمره ای، تهران: علمیه اسلامی.

۳۲. گنابادی، سلطان محمود (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد. ط ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های موازنه قوا. ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. تحقیق جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. محسنی، نیک چهر (۱۳۸۲). نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد. تهران: پردیس.
۳۶. محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). ریاحین الشریعه. چ ۵، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲). به سوی او. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۴۰. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی (متوسط). چ ۲۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۱. مقرر، عبدالرزاق (۱۳۹۱ق). مقتل الحسین. بی‌جا: انتشارات بصیرتی.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چ ۱، تهران: دارالکتب



الاسلامیه.

۴۳. مهاجرانی، عطاءالله (۱۳۹۴). پیام آور عاشورا. تهران: امید ایرانیان.
۴۴. نبوی، خادم حسین (۱۳۹۲). زندگی عالمه غیرمعلمه حضرت زینب کبری علیها السلام. چ ۱، قم: رشید.
۴۵. نقدی، جعفر (۱۳۹۴). زینب کبری. قم: هاد.
۴۶. الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). نهضت / انتظار و انقلاب اسلامی. چ ۱، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - نیروی مقاومت بسیج.
۴۷. همت بناری، علی (۱۳۷۹). تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن. روانشناسی و علوم تربیتی، (۲).
۴۸. الهی بوته کار، حسن (۱۳۷۵). زینب کبری علیها السلام عقیده بنی هاشم. بی جا: مؤسسه فرهنگی آفرینه.
۴۹. یوسفی مقدم، محمدصادق (۱۳۹۹). جایگاه و اهداف مقاومت اسلامی از دیدگاه مفسران با تأکید بر آیات جهاد. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۳ (۹۱)، ۵۹-۷۴.

10.22081 / psq.2020.69351, 74

An Analysis of the Arena of Jihad in the Third Model of Woman Derived from the Life of Hazrat Fatimah Zahra

Mirzali Ketabi

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Islamic Sciences, Urmia University

a.ketabi@urmia.ac.ir

Delbar Shoja Abajalu

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Islamic Sciences, Urmia University

d.shoja@urmia.ac.ir

Abstract:

In an era where Western and Eastern theories regarding women have reached a dead end, the need for a "third model" for women is felt more than ever. Given the status of the Lady of the Women of the Worlds, Hazrat Zahra (PBUH) stands as the supreme exemplar. This research, employing a descriptive-analytical method, examines her role of Jihad (struggle) in two key arenas: "Jihad of Clarification" (Jihad al-Tabyin) and "family." By re-examining the historical conditions of that era, her sacrifices and roles in defending Islam and the station of Wilayah (guardianship), confronting hypocrisy, choosing a spouse, and raising mujahid children were analyzed. Traits such as patience, courage, eloquence, and insight throughout every period of her life have rendered her a distinguished role model. The rich Sirah (conduct) of Hazrat Zahra (PBUH) can be utilized as a practical model for today's women, so that by drawing inspiration from this noble personality, the status of women's Jihad becomes manifest. This study is a step towards presenting a model of a jihadist lifestyle for the Muslim woman.

تحليل لميدان الجهاد في النموذج الثالث للمرأة المُستقى من حياة السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام

ميرزا علي كتابي

أستاذ مساعد، قسم التربية الإسلامية، كلية الآداب والعلوم الإسلامية، جامعة أرميا
a.ketabi@urmia.ac.ir

دلبر شجاع آباجلو

أستاذ مساعد، قسم التربية الإسلامية، كلية الآداب والعلوم الإسلامية، جامعة أرميا
d.shoja@urmia.ac.ir

الملخص

في عصر أصبحت فيه النظريات الغربية والشرقية المتعلقة بالمرأة عاجزة عن تقديم حلول ناجعة، باتت الحاجة ماثلة إلى "نموذج ثالث" يليق بكرامة المرأة ويصون هويتها. وإن السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام بوصفها سيدة نساء العالمين، تمثل أسمى قدوة للمرأة المسلمة في جميع العصور. تهدف هذه الدراسة، المعتمدة على المنهج الوصفي التحليلي، إلى استجلاء دور جهادها في ميدانين محوريين: ميدان "جهاد التبیین" وميدان "الأسرة". وقد تمّ ذلك من خلال استقراء دقيق للظروف التاريخية التي عاشتها، وتحليل تضحياتها الجسام في الدفاع عن الإسلام ومقام الولاية، ومواجهتها الحازمة للغلو والنفاق، وحكمتها البالغة في اختيار الزوج، وقدرتها الفائقة على تربية الأبناء المجاهدين. لقد جمعت الزهراء عليها السلام بين الصبر الجميل، والشجاعة النادرة، والفصاحة البليغة، والبصيرة النافذة في كل مراحل حياتها، مما جعل منها أسوة فريدة لا تُضاهى. وإن الاستفادة من سيرتها الغنية يمكن أن تقدّم للمرأة المعاصرة نموذجاً عملياً متكاملًا، يُبرز مكانة الجهاد النسائي بأبعاده المختلفة. وتُعَدُّ هذه الدراسة خطوة رائدة في سبيل رسم معالم الحياة الجهادية للمرأة المسلمة، القائمة على الوعي والمسؤولية والإخلاص. الكلمات المفتاحية: السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام، النموذج الثالث للمرأة، الجهاد، ميدان الجهاد، الجهاد في ميدان التبیین



تحلیلی بر عرصه جهاد در الگوی سوم زن برگرفته از زندگی

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

میرزا علی کتابی

استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشگاه ادبیات و علوم اسلامی، دانشگاه ارومیه
a.ketabi@urmia.ac.ir

دلبر شجاع آباجلو

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه ادبیات و علوم اسلامی ارومیه
d.shoja@urmia.ac.ir

چکیده

در عصری که نظریه‌های غرب و شرق درباره زنان به بن بست رسیده‌اند، نیاز به «الگوی سوم» برای بانوان بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به جایگاه سرور زنان عالم، حضرت زهرا علیها السلام برترین الگو هستند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، نقش جهاد ایشان را در دو عرصه کلیدی «جهاد تبیین» و «خانواده» بررسی کرده است. با بازخوانی شرایط تاریخی آن دوران، فداکاری‌ها و نقش‌آفرینی‌های ایشان در دفاع از اسلام و جایگاه ولایت، مقابله با نفاق، انتخاب همسر و تربیت فرزندان مجاهد مورد تحلیل قرار گرفت. ویژگی‌هایی چون صبر، شجاعت، فصاحت کلام و بصیرت در هر دوره از زندگی، ایشان را به سرمشق برجسته‌ای تبدیل کرده است. می‌توان از سیره پر بار حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگویی کاربردی برای زنان امروز بهره برد تا با الهام از این شخصیت والا، جایگاه جهاد زن آشکار گردد. این مطالعه گامی در جهت ارائه الگوی زندگی جهادی برای زن مسلمان است.

کلیدواژگان: حضرت زهرا علیها السلام، الگوی سوم زن، جهاد، عرصه جهاد، جهاد در عرصه تبیین



مقدمه

جهاد ابعادی پویا دارد که با شرایط زمان و دشمن تغییر می‌کند و وظیفه‌ای همگانی برای همه مسلمانان است؛ اما نوع و ابزار آن بسته به توانایی، طبیعت و نقش هر فرد متفاوت است. در عصر حاضر که الگوهای فکری متعددی وجود دارد، معرفی الگویی کامل برای بانوان ضروری است. زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان سرور زنان، چراغ راهی جهانی است که از کودکی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، پس از رحلت مادرش او را یاری کرد، سختی‌ها و گرسنگی را بدون شکایت تحمل نمود و با روحی مسئولیت‌پذیر، سرآمد همسر داری و تربیت فرزندان شد و نهایتاً در راه دفاع از اسلام و ولایت به شهادت رسید (نسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۴۵ / طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۱۵ / ابن حیون، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۲).

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چگونگی نقش‌آفرینی حضرت زهرا علیها السلام در «عرصه جهاد» در برابر مستکبران و بستر خانواده به عنوان الگوی سوم زن امروزی می‌پردازد. اگرچه کتب و مقالات متعددی درباره زندگانی ایشان وجود دارد -مانند آثار مقام معظم رهبری، زهره یزدان‌پناه، عذرا انصاری، حبیب‌الله احمدی، علی شیرازی، خدیجه حلیمی، مجتبی عطارزاده و اعظم نوری- اما بیشترین آثار به صورت کلی یا به جنبه‌های خاصی مانند فعالیت سیاسی پرداخته‌اند؛ درحالی‌که پژوهش حاضر به طور خاص بر جنبه جهادی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام تمرکز دارد.

۱. جهاد: جهاد در لغت به معنای تلاش و تحمل سختی است (اصفهانی،

۲۰۰۸، ص ۱۱۴). این واژه در اصطلاح به دو صورت معنا می شود: معنای عام که شامل مبارزه با نفس (اکبر) و مبارزه با دشمن در ابعاد مختلف فرهنگی، نظامی و... (اصغر) است و معنای خاص که به جنگ نظامی با کفار اشاره دارد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۳). در حالی که برخی آن را معادل «قتال» دیده اند، بزرگانی چون علامه طباطبایی آن را به معنای دفاع می دانند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۵، ص ۲۲۷). در نهایت جهاد بر اساس «طرف مقابل» یا «ابزار مبارزه» (زبان، مال، قلب و...) تقسیم بندی شده و در این پژوهش، معنای گسترده آن یعنی هر گونه تلاش در راه خدا - مانند جهاد تبیین - مد نظر است.

۲. الگوی سوم زن: این اصطلاح را نخستین بار مقام معظم رهبری در اسفند سال ۱۳۹۱ به کار بردند. ایشان در پیام تاریخی با اشاره به تعریف غرب و شرق از زن، نقش زنان در فرهنگ غربی و شرقی را همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می چربد، دانستند. ایشان با ارائه الگوی جدیدی برای زنان با نام «الگوی سوم» که توسط زنان مسلمان ایرانی رقم خورده است، فرمودند: «شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم زن، "نه شرقی نه غربی" است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود».

۱. جهاد در عرصه تبیین

یک از مصادیق جهاد، تبیین درست و بموقع حقایق روز است؛ به طوری که مقام معظم رهبری مهم ترین کار حضرت زهرا (علیها السلام) را مسئله تبیین می دانند: «تبیین





مهم‌ترین کار فاطمه زهرا (علیها السلام) است؛ یعنی در زندگی سراسر تلاش ایشان، مهم‌ترین کار حضرت بعد از رحلت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) تبیین حقایق دین و بیان علل فراموشی سفارش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مهاجران و انصار است که به دوروش زبانی و عملی توسط ایشان انجام شد. در این بخش به روش‌ها و محتوای این جهاد اشاره می‌شود.

الف) سلام‌ندادن به حاضران در خطبه فدکیه

حضرت زهرا (علیها السلام) در آغاز خطبه فدکیه با وجود حضور بزرگان انصار و مهاجرین، سلام نکردند تا پیامی صریح به حاضران مبنی بر عدم وفاداری آنها به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عهدی که بسته بودند، منتقل کنند. این رویکرد برگرفته از سوره توبه است که خداوند در برخورد با دشمنان، رحمت خود را مقدم نمی‌دارد. همچنین می‌توان این عمل را ناشی از حکم شرعی عدم جواز سلام کردن به «فساق» دانست؛ چراکه بسیاری از بزرگان قوم با بی‌اعتنایی به سفارش‌های پیامبر در مسئله جانشینی امام علی (علیه السلام) مرتکب فسق شدند؛ همان گونه که امام باقر (علیه السلام) فرموده‌اند: «به یهود و نصاری و... و فاسقِ مُعَلِّن به فسق خود سلام نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۳۵). بنابراین ترک سلام توسط حضرت زهرا (علیها السلام)، هم اعتراضی بود به غفلت از حق و هم تذکری برای متوجه شدن افراد به اعمال ناشایستشان.

ب) اعلان شجاعانه نفاق درونی غاصبان حق ولایت

نفاق یکی از بزرگ‌ترین امراض نفسی است که برخی مسلمانان صدرالاسلام،

پس از رحلت پیامبر (ﷺ) و برای حفظ جاه و مقام یا از ترس، آن را آشکار کردند. حضرت زهرا (علیها السلام) نخستین مجاهد در برابرین نفاق بودند و با صراحت در خطبه فدکیه فرمودند: «پس هنگامی که خداوند برای پیامبرش منزل گاه انبیا و محل اصحاب برگزید، کینه و نفاق درونی شما ظاهر شد» (مهریزی، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ص ۴۰۳). ایشان با اشاره به واقعیت تاریخی مدینه، بسیاری از حاضران را دچار نفاق درونی دانستند؛ حقیقتی که هم در کتب شیعه و هم در منابع معتبر اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم تأیید شده است؛ چنان که در روایتی آمده است پیامبر (ﷺ) فرمودند: «مردانی از میان شما طرد خواهند شد... به من گفته می شود: تونمی دانی چه کارهایی پس از توانجام دادند» (حمیدی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۱۴). حضرت زهرا (علیها السلام) با اعلام علنی این فرمایش نبوی، بر انحراف برخی صحابه پس از وفات ایشان تأکید ورزیدند.

ج) مداومت بر جهاد تبیین

یکی از چالش های «جهاد تبیین»، مداومت زمانی و مکانی نورزیدن آن است؛ درحالی که زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) الگویی کامل از این جهاد همیشگی بود. ایشان پس از رحلت پیامبر (ﷺ) تا شهادت خود، هیچ فرصتی را برای بیداری مسلمانان از دست ندادند و حتی در دیدارهای کوچک - مانند عیادت عایشه دختر طلحه - با گریه و بیان حقایق، احساسات مخاطب را برمی انگيختند. در این دیدار حضرت زهرا (علیها السلام) با اشاره به کینه پنهانی برخی صحابه به امام علی (علیها السلام) فرمودند: «غاصبان خلافت از ابتدا با علی (علیها السلام) کینه داشتند و بعد از رحلت پیامبر



اسلام این کینه‌ها را آشکار کردند» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۰۴). این جمله نشان می‌دهد بسیاری از صحابه در زمان حیات پیامبر نیز به جانشینی ایشان اعتقاد نداشتند و تنها منتظر فرصتی بودند تا نیات شوم خود را محقق کنند.

د) تبیین از راه تحریک احساسات

حضرت زهرا علیها السلام با تحریک احساسات مردم و جهاد از این طریق، قصد داشتند قول و فعل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراموش نشود. بعد از اینکه خلیفه دوم رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۴۲) خلیفه اول در رد ادعای او گفت: «من کان یعبد محمد صلی الله علیه و آله و سلم فان محمداً قد مات: هر کس محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پرستش می‌کرد، اینک او از دنیا رفته است». صاحب کتاب *الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة* (شوشتری، ۱۳۶۷، ص ۳۷) ابراز می‌دارد که این جمله خلیفه اول غیرمؤدبانه است؛ زیرا از مسلمانان کسی پیامبر را معبود خود نمی‌دانست، بلکه او را رسول خداوند می‌دانستند. امثال این جمله و جملات مشابهی مانند «حسبنا کتاب الله» نشان از افکاری دارند که به دنبال محو سنت نبی گرامی اسلام بودند. قطعاً یکی از علل گریه‌های روزانه و جانکاه حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند برای خنثی سازی این نوع سخنان و افکار و یادآوری نام و سیره پیامبر برای نسلی باشد.

ه) نگاه توحیدی داشتن

مهم‌ترین نکته در جهاد تبیین قربة الی الله بودن و نگاه توحیدی داشتن به

مسئله جهاد است؛ چنان که حضرت زهرا (علیها السلام) خطبه خویش را با یاد و نام خداوند متعال شروع کردند: «الحمد لله علی ما انعم» (طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۱۱۱) تا به همه اعلام نمایند، با وجود اینکه از غصب خلافت و مسئله فدک ناراحت اند، هرگز از علت اصلی جهاد که همان اعتلای کلمه توحید است، غافل نیستند. این رویکرد توحیدی حضرتش نشان دهنده آن است که حتی در اوج بحران و مظلومیت، هدف اصلی ایشان حفظ پیوند با خداوند و جلب رضایت الهی بود. ایشان با این کار به همه آموختند که جهاد حقیقی تنها زمانی ارزشمند است که برای خدا و در مسیر بندگی او باشد نه برای انتقام شخصی یا منافع دنیوی. این نگاه توحیدی، جهاد تبیین را از سطح یک اعتراض اجتماعی به مرتبه ای والا از عبادت و تقرب الهی ارتقا می دهد.

و) غفلت نکردن از مسائل اساسی در جهاد تبیین

یکی از خطرات «جهاد تبیین» حاشیه سازی و غفلت از مسائل بنیادین است؛ اما سیره حضرت زهرا (علیها السلام) الگویی کامل برای پرهیز از این انحراف و پای بندی به اصل اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. ایشان در تمام لحظات جهادی، مردم را به سفارش های پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرامی خواندند و دوری از آن را «خسران مبین» می شمردند؛ چنان که در خطبه فدکیه فرمودند: «وای بر آنان که چگونه پیامبر را از رسالت و قواعد نبوت و جایگاه روح الامین دور کردند؟ آگاه باشید که این همان زیان آشکار است» (ابن طیفور، بی تا، ص ۳۲). این تأکید بر بازگشت به اصول اصیل اسلامی نشان می دهد محوریت سخنان و اقدامات حضرت زهرا (علیها السلام) همواره



دین و ولایت بوده است. این رویکرد، چراغ راهی برای فعالان فرهنگی امروز است تا در هر شرایطی از اهداف اصلی جهاد تبیین و دفاع از حقیقت غافل نشوند و خود را درگیر مسائل فرعی نکنند.

۲. جهاد در منزل

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جهاد زن در منظومه فکری اسلام، جهاد در درون خانواده و خانه است؛ جهادی خاموش ولی بسیار مؤثر که با نام حسن التبعّل در منابع روایی یاد شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو شوهرداری است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱۶). این تعبیر اهمیت بی‌بدیل نقش زن در حفظ بنیان خانواده را روشن می‌کند.

الف) خانواده؛ میدان جهاد زن مسلمان

در مقابل الگوهای غربی که نقش خانوادگی زن را کم‌ارزش می‌شمارند، سیره حضرت زهرا علیها السلام الگویی بی‌بدیل از تعادل میان نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی ارائه می‌دهد. ایشان بدون تصدی مناصب ظاهری، بزرگ‌ترین نقش تمدنی را ایفا کردند؛ چنان‌که تربیت زینب کبری علیها السلام و حسنین علیهم السلام را بر عهده داشتند که ستون‌های کربلا و امت اسلامی شدند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). جهاد درونی ایشان در خانه عبادتی مستمر با صبر و اخلاص بود که همراه با محبت همسر و فرزندان و حتی مشارکت در تأمین معیشت - و گاهی گرسنگی برای سیرکردن آنان - شکل می‌گرفت. این تعادل ریشه در نظام ارزشی

توحیدی داشت که اولویت را به مسائل معنوی می‌داد؛ اما در مواقع ضرورت، حضوری فعال در عرصه‌های اجتماعی، جهاد عملی و دفاع از ولایت داشتند. سیره ایشان نشان می‌دهد زن مسلمان می‌تواند بدون قربانی کردن هویت خانوادگی، در هر دو عرصه سرآمد باشد. اگر تلاش‌های ایشان نبود، مسیر هدایت امت و تداوم امامت دچار اختلال می‌شد. امروز نیز این سیره بهترین الگو برای زنان معاصر است تا با حفظ تعادل، هم رضایت الهی را جلب کنند و هم نقش تمدن‌سازی خود را ایفا نمایند.

ب) توجه نکردن به مادیات در انتخاب همسر

یکی از جلوه‌های جهاد حضرت زهرا علیها السلام در زندگی خانوادگی، انتخاب آگاهانه و خداپسندانه همسر بدون توجه به مادیات بود. ایشان با وجود خواستگاران ثروتمند، امام علی علیه السلام را که اگرچه از نظر مالی در تنگ‌دستی بود، اما برجسته‌ترین شخصیت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در ایمان و عدالت محسوب می‌شد، برگزیدند (امینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۴۹)؛ چنان‌که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند آیا مهریه‌ای دارید، امام علی علیه السلام صادقانه پاسخ دادند: «نه، به خدا قسم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۱۹). حتی زمانی که برخی زنان مدینه حضرت زهرا علیها السلام را به خاطر انتخاب همسری فقیر سرزنش کردند، کوچک‌ترین تردیدی نداشتند و تنها دغدغه‌شان همراهی با ولی خدا بود (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۱۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با تأکید بر ارزش‌های معنوی، ایشان را دلگرم کردند تا ازدواجی بر پایه ایمان و محبت شکل گیرد که منجر به تولد نسلی پاک شد. این رویکرد، الگویی



جاودانه برای مسلمانان است تا معیارهای الهی و اخلاقی را بر مادیات مقدم بدارند و بنیان خانواده را بر اساس ارزش‌های پایدار استوار کنند.

ج) الگوی عملی در تربیت فرزند

جهاد شامل تربیت نسل مؤمن و انقلابی نیز هست. حضرت زهرا حضرت زهرا علیها السلام امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت زینب حضرت زهرا علیها السلام را پرورش دادند که هر سه نقش بنیادینی در تداوم خط رسالت و امامت ایفا کردند (احمدی، ۱۳۹۶، ص ۶۵). این تربیت عالی تنها با حضور دائمی مادر، الگوی مستمر و شناخت روحیات فرزندان ممکن بود؛ چنان‌که ایشان عبادت و علم را از کودکی در جان فرزندان نهادینه می‌کردند و امام حسن علیه السلام را برای یادگیری سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مسجد می‌فرستادند. همچنین با رعایت عدالت، محبت و احترام، زمینه شکوفایی استعدادهای آنان را فراهم کردند. ثمره این تربیت، ظهور حسنین علیه السلام و زینب حضرت زهرا علیها السلام در صحنه‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی مانند عاشورا و کربلا به عنوان الگوهای مقاومت بود. بنابراین جهاد خانگی حضرت زهرا حضرت زهرا علیها السلام الگوی عملی است که منجر به پرورش نسلی آگاه و انقلابی می‌شود که ستون‌های حرکت‌های اسلامی مقاومت را تشکیل می‌دهند.

نتیجه‌گیری

حضرت زهرا حضرت زهرا علیها السلام الگوی متعالی و «الگوی سوم زن مسلمان» هستند که با بهره‌گیری از روش‌های عقلانی و احساسی، مسئولیت جهادی خود

را در برابر غصب ولایت به بهترین نحو انجام دادند و نشان دادند یک زن می‌تواند همزمان با حفظ عفت و عاطفه، نقش جهادی فعالی در دفاع از ولایت ایفا کند. فعالیت جهادی زن در این سیره، یک وظیفه شرعی است؛ پیامی مهم برای زنان امروز در جنگ نرم رسانه‌ای که نیازمند درس‌آموزی از مقاومت آن حضرت می‌باشند. زندگی ایشان ثابت کرد فعالیت‌های اجتماعی جهادی نباید با ارزش‌های اخلاقی در تضاد باشد؛ بلکه ترکیبی از عفت، شجاعت، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری را ارائه می‌دهد.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۴ق). *فتح الباری شرح صحیح بخاری*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۲. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا). *بلاغات النساء*. قم: الشریف الرضی.
- ۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۹ق). *البدایة والنهاية*. بیروت: مکتبة المعارف.
- ۴. احمدی، مریم (۱۳۹۶). *نقش تربیتی حضرت زهرا (ع) در خانواده*. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی.
- ۵. اصفهانی، راغب (۲۰۰۸م). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۶. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۸). *الغدیر*. تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.
- ۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). *صحیح البخاری*. لبنان: دار الفکر.
- ۸. حمیدی، محمد بن فتوح (۱۴۲۳ق). *الجمع بین الصحیحین «البخاری و مسلم»*. بیروت: دار ابن حزم.
- ۹. دلشاد تهرانی، رسول (۱۳۸۹). *حیات فاطمه (ع)*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطهر.
- ۱۰. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۶۷). *الصوارم المهرقة فی نقد*

الصواعق المَحْرِقَة . تهران: مطبعة النهضة.

۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: اسلامیة.
۱۴. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: بعثت.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
۱۶. مهریزی، مهدی (۱۳۸۰). میراث حدیث شیعه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۷. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق). السنن الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیه.

Future Studies on the Role of Women in Strengthening Volunteer Forces of the Resistance Front

Mashhudeh Beikzad

A. Student, Department of Islamic Studies and Management, Policy-making Orientation, Al-Mustafa International University (Corresponding Author)
mbikzad104@gmail.com

Hamideh Adib

M.A. Student, Department of Islamic Studies and Management, Policy-making Orientation, Al-Mustafa International University
Hamidaadib14@gmail.com

Abstract

Women have always played a fundamental role in social transformations and resistance movements. They have not only been involved in raising resilient generations, supporting combatants, and managing family affairs, but have also had a prominent and active presence on the battlefields. This research, employing a descriptive-analytical method, comprehensively examines the history of women's presence, analyzes their role in strengthening volunteer forces, their direct participation in field operations, as well as their profound psychological and social impacts on team cohesion. The findings indicate that women's presence plays a key role in enhancing self-confidence, improving interpersonal relationships, and increasing the sustainability of resistance fronts. Furthermore, future-oriented models suggest that precise and strategic planning to maximize the utilization of women's human capacities will guarantee the success and sustainable development of the resistance movement. Therefore, a deep understanding and intelligent utilization of these immense capacities is an undeniable necessity for further strengthening the resistance and ensuring a bright future for all freedom-seeking movements.

Keywords: Future Studies, Strategic Role of Women, Resistance Front, Social Capital, Strategic.

الدراسات المستقبلية لدور المرأة في تعزيز القوات المتطوعة لجبهة المقاومة

مشهودة بيكزاد

طالبة ماجستير، قسم الدراسات الإسلامية والإدارة، تخصص رسم السياسات، جامعة المصطفى العالمية
mbikzad104@gmail.com

حميدة أديب

طالبة ماجستير، قسم الدراسات الإسلامية والإدارة، تخصص رسم السياسات، جامعة المصطفى العالمية
Hamidaadib14@gmail.com

الملخص

لطالما أدت المرأة دوراً أساسياً ومحورياً في التحولات الاجتماعية الكبرى وحركات المقاومة عبر العصور، فهي لم تقتصر على تربية الأجيال المقاومة وتعزيز روح التضحية في نفوسهم، ولا على دعم المقاتلين وتوفير احتياجاتهم المعنوية والمادية، ولا على إدارة شؤون الأسرة في أصعب الظروف، بل حضرت أيضاً حضوراً فاعلاً وبارزاً في ميادين القتال، حيث ساهمت في الإسناد الطبي واللوجستي، ونقل المعلومات، بل وقاتلت جنباً إلى جنب مع الرجال في كثير من المواقف. يعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي التحليلي لدراسة تاريخ حضور المرأة بشكل متكامل أدوارها المتعددة في تعزيز القوات المتطوعة، واستعراض مشاركتها المباشرة في العمليات الميدانية، فضلاً عن الكشف عن آثارها النفسية والاجتماعية في تماسك الفرق ورفع معنويات المجاهدين. تشير النتائج المتوصل إليها إلى أن وجود المرأة يلعب دوراً محورياً في رفع الثقة بالنفس، وتحسين العلاقات الإنسانية داخل الفرق. كما تبين نماذج الدراسات المستقبلية أن التخطيط الدقيق والاستراتيجي القائم على العلم والمعرفة، للاستفادة القصوى من الطاقات البشرية النسائية الهائلة، يضمن نجاح حركة المقاومة وتطورها المستدام على المدى البعيد. فإن الفهم العميق والاستخدام الذكي لهذه القدرات المتنوعة يُعد ضرورة لا غنى عنها لتعزيز المقاومة وضمان مستقبل مشرق لجميع تيارات التحرر في العالم. الكلمات المفتاحية: الدراسات المستقبلية، الدور الاستراتيجي للمرأة، جبهة المقاومة، المقاومة، رأس المال الاجتماعي.

آینده‌پژوهی نقش زنان در تقویت نیروهای داوطلب جبهه مقاومت

مشهوده بیکزاد

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، گرایش خط‌مشی‌گذاری، جامعه‌المصطفی (نویسنده مسئول)

mbikzad104@gmail.com

حمیده ادیب

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، گرایش خط‌مشی‌گذاری، جامعه‌المصطفی
Hamidaadib14@gmail.com

چکیده

زنان همواره نقشی بنیادین در تحولات اجتماعی و جنبش‌های مقاومت ایفا کرده‌اند. آنان نه تنها در تربیت نسل‌های مقاوم، حمایت از نیروهای مبارز و مدیریت امور خانوادگی نقش داشته‌اند، بلکه در میدان‌های نبرد نیز حضوری پررنگ و فعال داشته‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی جامع تاریخیچه حضور زنان، تحلیل نقش آنها در تقویت نیروهای داوطلب، مشارکت مستقیم در عملیات‌های میدانی و همچنین تأثیرات عمیق روانی و اجتماعی بر انسجام تیم‌ها می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حضور زنان نقش کلیدی در ارتقای اعتماد به نفس، بهبود روابط انسانی و افزایش پایداری جبهه‌های مقاومت دارد. علاوه بر این مدل‌های آینده‌پژوهی حاکی از آن است که برنامه‌ریزی دقیق و استراتژیک برای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های انسانی زنان، موفقیت و توسعه پایدار جریان مقاومت را تضمین خواهد کرد. بنابراین شناخت عمیق و استفاده هوشمندانه از این ظرفیت‌های عظیم، ضرورتی انکارناپذیر برای تقویت هرچه بیشتر مقاومت و تضمین آینده‌ای روشن برای تمامی جریان‌های آزادی‌خواه محسوب می‌شود.

کلیدواژگان: آینده‌پژوهی، نقش راهبردی زنان، جبهه مقاومت، مقاومت، سرمایه اجتماعی.

مقدمه

نقش زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و مشارکت آنان در عرصه‌های نظامی و مقاومت، تأثیر عمیقی بر انسجام و قدرت گروه‌ها دارد. زنان با بهره‌گیری از مهارت‌های سازمان‌دهی، ارتباطی و مدیریتی، نه تنها روحیه جمعی را تقویت می‌کنند، بلکه با دیدگاه‌های منحصر به فرد خود، ظرفیت‌های جدیدی برای توسعه استراتژی‌های مقاومت ایجاد می‌کنند. تجربیات تاریخی گواهی بر حضور فعال زنان در جنگ‌های دفاعی به عنوان پشتیبان، امدادگر، جمع‌آورنده اطلاعات و حتی رهبر عملیات است؛ حضور آنها که موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی و افزایش همبستگی جامعه می‌شود. در زمینه نقش زنان، تحقیقات متعددی انجام شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. مقاله «بررسی نقش نظامی و پشتیبانی زنان در جنگ‌ها» نوشته عباس شکیبی‌راد و هانا امیری (۱۴۰۲): این پژوهش نشان می‌دهد زنان با فداکاری فراوان، در زمینه‌های رزم، پشتیبانی روحی، لجستیکی، امداد، درمان، حمایت مالی و تجسس نقش کلیدی ایفا کرده‌اند و فداکاری از مؤلفه‌های اساسی مشارکت آنان است.

۲. مقاله «بررسی نقش زنان در دفاع مقدس بر اساس خاطره‌نوشت یکشنبه آخر» نوشته معصومه رامهرمزی (۱۳۹۸): این مطالعه با تحلیل کتاب یکشنبه آخر نقش زنان را در فعالیت‌های فرهنگی، درمانی، اقتصادی، هنری و نظامی در

دوران دفاع مقدس تبیین و ایثارگری آنها در امدادگری و خدمات آشپزخانه‌های بیمارستانی را برجسته می‌کند.

۳. مقاله «کنش اجتماعی زنان در جنگ جهانی اول و دستاوردهای آنان پس از جنگ در غرب (با تأکید بر حق رأی زنان)» نوشته میکائیل وحیدیراد (۱۳۹۷): این تحقیق به بررسی جایگاه زنان در کشورهای غربی در طول جنگ جهانی اول می‌پردازد و نشان می‌دهد مشارکت زنان در پشتیبانی از جبهه، منجر به تغییر نگرش درباره آنان و اعطای حقوق مدنی و سیاسی - مانند حق رأی - در بسیاری از کشورها شد.

۱. آینده پژوهی

آینده پژوهی فرایندی برای مطالعه اصول، روش‌های علمی و تفکرات فلسفی جهت ترسیم آینده‌های بدیل و احتمالی و مهندسی هوشمندانه آینده است (حبیبی، بی‌تا). این رشته که ریشه در پیش‌گوییان باستان دارد، در عصر روشنگری و با الهام از فیلسوفانی مانند ولتر و نویسندگانی چون ژول ورن رشد یافت. مطالعات منظم آن از سال ۱۹۴۸ میلادی در مؤسسه رند آغاز شد و پس از جنگ جهانی دوم با توجه به تغییرات سریع اجتماعی و فناوری شکل گرفت؛ همچنین نهادهایی مانند باشگاه رم و فدراسیون جهانی آینده پژوهی در گسترش آن نقش داشتند. امروزه آینده پژوهی ابزاری کلیدی برای برنامه‌ریزی، مدیریت بحران و تصمیم‌گیری است (احمدی و شربتیان، ۱۳۹۳).



۲. جبهه مقاومت

جبهه مقاومت به ائتلاف‌هایی از دولت‌ها، گروه‌های سیاسی، سازمان‌های غیردولتی و نیروهای مردمی اطلاق می‌شود که برای مقابله با تهدیدات نظامی، سیاسی یا خارجی و دفاع از هویت، سرزمین و منافع ملی تشکیل می‌گردند. این جبهه‌ها می‌توانند در قالب جنگ‌های دفاعی، مقاومت‌های مردمی یا مبارزات سیاسی علیه رژیم‌های غیرمردمی شکل بگیرند (صالح اصفهانی، ۱۳۹۹).

۳. نقش زنان

زنان با بهره‌گیری از مهارت‌های سازمان‌دهی، ارتباطی و مدیریتی، نقشی کلیدی در تقویت روحیه جمعی، انسجام نیروهای داوطلب و حتی حضور مستقیم به عنوان جنگجویان پشتیبان در جبهه‌های مقاومت ایفا می‌کنند. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد آنان در جمع‌آوری اطلاعات، امداد رسانی و رهبری عملیات‌ها مؤثر بوده‌اند؛ هرچند موانع فرهنگی، اجتماعی و قانونی همچنان چالش برانگیزند و نیازمند رفع برای بهره‌برداری مؤثرتر از ظرفیت‌های زنان است (رسولی‌نژاد، ۱۳۹۶).

۴. تاریخچه نقش زنان

تاریخ اسلام و جهان گواهی بر نقش حیاتی زنان در ترویج دین و مقابله با استعمار است. حضرت خدیجه علیها السلام با حمایت مالی خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم الگویی از این مشارکت بود. در تاریخ معاصر ایران، زنان در انقلاب اسلامی و جنگ

تحمیلی با فعالیت های امدادی، اطلاعاتی و پشتیبانی سهم بسزایی داشتند. همچنین در جنبش های ضد استعماری آفریقا و آسیا، زنان به عنوان نمادهای ایستادگی و رهبران مقاومت شناخته شدند. اگرچه این مسیر همواره با موانعی همراه بوده، اما تاریخ نشان داده است زنان در زمان بحران ها توانسته اند با وجود محدودیت ها، به عنوان پیشگامان مقاومت عمل کرده، استقلال و هویت ملی را پاس بدارند (رسولی نژاد، ۱۳۹۶).

۵. تحلیل نقش زنان در تقویت نیروهای داوطلب

مشارکت اجتماعی و فرهنگی

بانوان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، نقشی بی بدیل در توسعه نیروی داوطلب ایفا می کنند. حضور فعال آنان نه تنها تعداد داوطلبان را افزایش می دهد، بلکه با تأثیرگذاری بر خانواده و محیط پیرامون، فرهنگ مشارکت و مسئولیت پذیری را گسترش می دهد (عشایی و همکاران، ۱۳۹۵). از منظر فرهنگی، زنان با انتقال ارزش هایی چون همدلی و نقش تربیتی خود در آموزش اخلاق به نسل آینده، زمینه ساز شکل گیری نسل جدیدی از داوطلبان آگاه اند. در بعد اجتماعی نیز فعالیت آنها در سازمان های مردم نهاد و خیریه، سرمایه اجتماعی را تقویت و به دلیل توانایی بالا در ایجاد شبکه های اعتماد، فرایند جذب و سازمان دهی نیروها را تسریع می کند.



۶. نقش زنان در میدان‌های عملیاتی

بررسی مشارکت زنان در عرصه‌های عملیاتی نشان می‌دهد آنها فراتر از نقش‌های سنتی، نقشی کلیدی در موفقیت عملیات ایفا می‌کنند. این مشارکت در چهار حوزه اصلی قابل تحلیل است:

الف) مشارکت در جبهه‌های نبرد: مطالعات نشان می‌دهد زنان در طول تاریخ -مانند جنگ جهانی دوم- و در دوران معاصره عنوان پرسنل پزشکی، اپراتورهای ارتباطات و حتی رزمندگان فعال بوده‌اند. امروزه حضور آنان در ارتش‌های حرفه‌ای و تمامی جنبه‌های عملیات نظامی به رسمیت شناخته شده است (آذرنوش و دهقان‌پور، ۱۳۸۸).

ب) نقش در پشتیبانی لجستیکی: زنان سهم بزرگی در تأمین منابع، مدیریت تجهیزات و انتقال نیرو و مواد غذایی دارند (شکیبی‌راد و امیری، ۱۴۰۲).

ج) نقش در پزشکی و بهداشت: حضور پزشکان و پرستاران زن در مناطق جنگی برای ارائه مراقبت‌های ضروری به مجروحان و کاهش تلفات انسانی حیاتی است. آنها به عنوان کادر درمان در جبهه‌ها، نقش غیرقابل انکاری در حفظ سلامت و ایمنی نیروها دارند (باقری، ۱۳۸۹).

۷. تأثیرات روانی و اجتماعی

حضور زنان در عرصه‌های جنگی و بحران‌ها دارای آثار مثبت متعددی بر نیروهای داوطلب و انسجام جبهه مقاومت است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: الف) تقویت روحیه و انگیزه: زنان با ویژگی‌هایی چون همدلی، توانایی‌های

اجتماعی و مدیریت بحران، محیطی حمایتی و انسانی ایجاد می کنند که موجب افزایش امید، انگیزه و تمایل به مشارکت بیشتر نیروها می شود.

ب) افزایش همبستگی و انسجام گروهی: به دلیل مهارت های ارتباطی بالا، زنان به عنوان حلقه های پیوند دهنده عمل کرده، با تقویت اعتماد به نفس و حس مسئولیت، وحدت و یک پارچگی اعضای گروه را ارتقا می دهند. پژوهش های ایرانی نیز نشان داده اند توانایی رهبری و کار گروهی زنان نقش کلیدی در ایجاد این وحدت دارد.

ج) کاهش استرس و اضطراب: حضور زنان با فراهم کردن فضای امن و آرامش بخش و برقراری ارتباط عاطفی، فشار روانی و استرس ناشی از شرایط بحرانی و عملیات های نظامی را کاهش می دهد. اهمیت این نقش در روان شناسی اجتماعی و تعاملات گروهی مورد تأکید قرار گرفته است (انلو، ۱۹۹۰).

د) تثبیت حس تعلق و اراده جمعی: برگزاری نشست ها و فعالیت های اجتماعی توسط زنان، حس تعلق به گروه را تقویت کرده، با بهبود ارتباطات مؤثر، اراده جمعی برای پیش برد اهداف مشترک و همکاری میان اعضا را افزایش می دهد.

۸. معرفی زنان الگو در جبهه های مقاومت

الف) حضرت خدیجه ع.ا.س.: نخستین همسر پیامبر ص.ا.ع. و اولین زن مؤمن که در آغاز دعوت اسلام و تحت فشار قریش، با حمایت مالی و معنوی خود، روحیه



پیامبر را تقویت کرد. او با بخشش دارایی اش به مسلمانان کمک نمود و به عنوان نمادی از وفاداری و استقامت شناخته می شود. منابع تاریخی همچون *الطبقات الکبری* ابن سعد و *سیره النبویه* ابن هشام بر این نقش کلیدی تأکید دارند.

ب) حضرت زینب کبری علیها السلام: پس از واقعه عاشورا با شجاعت بی نظیر در برابر یزید و دربار اموی ایستاد و حقانیت قیام امام حسین علیه السلام را تبیین کرد. خطبه معروف ایشان که در منابعی چون *مروج الذهب* مسعودی و *لهوف* سید بن طاووس آمده، نشان دهنده قدرت ایمان و استقامتی بود که باعث تقویت روحیه مسلمانان و بقای پیام عاشورا شد.

ج) صدیقه مسعود: همسر احمد شاه مسعود در افغانستان که افزون بر مدیریت خانواده در شرایط جنگ، پشتیبان روحی و معنوی همسرش بود. او کتاب *احمد شاه مسعود: روایت صدیقه مسعود* (با همکاری ماری فرانسواز کولومبانی) را نگاشت که جایزه هیئت داوران وریته را در ۲۰۰۵ میلادی دریافت کرد. این اثر نماد مقاومت زنان و تأکید بر نقش آنان در تحصیل و فعالیت های اجتماعی برای حفظ هویت فرهنگی افغانستان است.

د) مریم فرهانیان: از مبارزان فعال در انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی که در جمع آوری کمک ها و پشتیبانی از جبهه ها نقش داشت. او به عنوان چهره ای الهام بخش در ارتقای روحیه مقاومت و تقویت نیروهای داوطلب شناخته می شود که میراث او همچنان زنده است (جودکی، ۱۳۹۵).

۹. معرفی و تحلیل الگوهای مختلف آینده پژوهی برای پیش بینی نقش زنان در بسیج منابع انسانی

استفاده از نظریه های مدیریتی برای بهینه سازی منابع انسانی، افزایش انگیزه و تحقق اهداف سازمانی ضروری است. مهم ترین این نظریه ها عبارت اند از:

الف) نظریه های انگیزشی

- سلسله مراتب نیازهای مازلو: بر رفع نیازهای اولیه قبل از دست یابی به اهداف بالاتر تأکید دارد. درک این نیازها به مدیران کمک می کند شرایط مناسب برای مشارکت داوطلبان فراهم شود.

- نظریه دو عاملی هرزبرگ: تفاوت بین عوامل بهداشتی - مانند محیط کار - و عوامل انگیزشی - مانند فرصت پیشرفت - را تبیین می کند؛ تقویت عوامل انگیزشی و رعایت بهداشتی باعث رضایت و تعهد بیشتر می شود (رضاییان، ۱۳۹۷).

ب) نظریه های رهبری

- رهبری تحول گرا: با الهام بخشی و ایجاد چشم انداز مشترک، پیروان را به اهداف بزرگ متعهد و نیروی انسانی را بسیج می کند.

- رهبری مشارکتی: با درگیر کردن داوطلبان در فرایند تصمیم گیری، حس تعلق و مسئولیت آنها را افزایش داده، توانایی بسیج منابع را بالا می برد (مصباحی بیدگلی، ۱۳۹۹).

ج) نظریه‌های استراتژیک

مدل SWOT: ابزاری برای تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهاست که به شناسایی ظرفیت‌های جذب و حفظ داوطلبان و تدوین استراتژی‌های بهینه کمک می‌کند (دیوید، ۱۳۹۹).

د) مدل‌های شبکه‌سازی و همکاری

نظریه شبکه اجتماعی: با تحلیل روابط و جریان اطلاعات میان افراد، هماهنگی و همکاری مؤثرتری میان داوطلبان ایجاد می‌کند. درنهایت بهره‌گیری از این چارچوب‌ها به مدیران کمک می‌کند تا با شناخت دقیق انگیزه‌ها و نیازها، محیطی پویا ایجاد کنند که در آن مشارکت تشویق شده و اهداف سازمانی محقق گردد (قاضی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد نقش زنان در تقویت نیروهای داوطلب جبهه مقاومت فراتر از حمایت‌های اجتماعی و روانی و شامل مشارکت فعال در عملیات نظامی، رهبری، مدیریت و استراتژی‌سازی می‌شود. تاریخچه پررنگ حضور زنان گواهی بر ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل آنها در آموزش، مشاوره و سازمان‌دهی منابع انسانی برای افزایش کارایی و انعطاف‌پذیری نیروهاست. از منظر روانی-اجتماعی، حضور زنان موجب تقویت روحیه جمعی، افزایش اعتماد به نفس و بهبود روابط درونی می‌شود که مستقیماً بر موفقیت‌های عملیاتی

و پایداری جبهه ها تأثیرگذار است. معرفی الگوهای تاریخی و معاصر-مانند حضرت خدیجه، حضرت زینب، صدیقه مسعود و مریم فرهانیان- نه تنها الهام بخش آینده است، بلکه زمینه ساز گسترش مشارکت زنان می شود. آینده پژوهی نشان می دهد با توجه به روندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، زنان در سال های آتی نقش های برجسته تری در حوزه های حمایت معنوی، آموزشی و سازمان دهی ایفا خواهند کرد. بنابراین گنجاندن توانمندی های زنان در استراتژی های کلان جبهه مقاومت، عاملی حیاتی برای موفقیت و پایداری این جبهه هاست. پیشنهاد می شود محققان و سیاست گذاران با بهره گیری از ابزارهای آینده پژوهی و اتخاذ راهکارهای عملی، موانع را مرتفع کرده، بسترهای جدیدی برای مشارکت مؤثرتر زنان فراهم آورند تا آینده ای روشن تر و مقاوم تر برای جبهه های مقاومت رقم بخورد.

منابع و مآخذ

۱. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۹۱). زندگانی حضرت محمد ﷺ پیامبر اسلام: ترجمه سیره النبویه. ج ۱-۲، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ناشر: کتابچی.
۲. احمدوند، خلیل الله، و بابایی تبار، مهدیه (۱۴۰۰). بررسی ابعاد فقهی نقش زن در پشتیبانی دفاع مقدس. فصلنامه بین المللی قانون یار، ۵ (۱۹).
۳. احمدی، اعظم، و شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۳). مطالعه سلامت اجتماعی با رویکرد آینده پژوهی. سومین همایش ملی آینده پژوهشی.
۴. آذرنوش، آذرتاش، و دهقان پور، زهره (۱۳۸۸). زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره ی اموی. فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ۱ (۱)، ۷۵-۹۷.
۵. باقری، الهام (۱۳۸۹). جایگاه زنان در تاریخ پزشکی و نقش آنان در توسعه طب اسلامی. نشریه دندان پزشکی امروز، (۴۵)، ۲۲-۲۵.
۶. بغدادی (ابن سعد)، محمد بن سعد (۱۳۷۴). طبقات الکبری. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
۷. جودکی، محمد علی (۱۳۹۵). نقش زنان در دفاع مقدس. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. حبیبی، آرش (بی تا). آینده پژوهی در تحقیقات کیفی. نشر الکترونیک پارس مدیر.
۹. دیوید، فرد آر (۱۳۹۹). مدیریت/استراتژیک. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.

۱۰. رسولی نژاد، محمدرضا، حاج اسماعیل، امیرحسین، و رسولی نژاد، ناهید (۱۳۹۶). نقش زن و جایگاه آن در جامعه. سومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
۱۱. رامهرمزی، معصومه (۱۳۹۸). بررسی نقش زنان در دفاع مقدس براساس خاطره نوشت یکشنبه آخر. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۵ (۲).
۱۲. رضاییان، علی (۱۳۹۷). مدیریت رفتار سازمانی. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. سید ابن طاووس (بی تا). لهوف. ترجمه علی رضا رجالی، تهران: نبوغ.
۱۴. شکیبی راد، عباس، و امیری، هانا (۱۴۰۲). بررسی نقش نظامی و پشتیبانی زنان در جنگ ها. اولین همایش ملی فرماندهی و مدیریت در جنگ های آینده.
۱۵. شمشیری، شهناز، نادری نرم، مریم، مهدی پور، زهرا، و حسینی، زهرا (۱۴۰۳). نقش موثر زنان در دوران دفاع مقدس. دومین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده.
۱۶. صالح اصفهانی، اصغر، نظامی پور، قدیر، و حسن کاظمی قمی، ایرج فرجی (۱۳۹۹). الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه ای. فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، ۱۸ (۸۲)،

20.1001.1.20084897.1399.18.82.4.6.81-98

۱۷. عشایری، طاها، سعادت، موسی، یاحقی، عشرت، و شکری، نسرين (۱۳۹۵). بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در توسعه اجتماعی، اولین کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه جامعه شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.



۱۸. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۵). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. مصباحی بیدگلی، ریحانه (۱۳۹۹). بررسی تأثیر رهبری تحول‌گرا و رهبری مشارکتی بر رضایت شغلی کارکنان در دوران کرونا در بین کارکنان شرکت آب و فاضلاب مشهد. *ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*.
۲۰. وحیدیراد، میکائیل (۱۳۹۷). کنش اجتماعی زنان در جنگ جهانی اول و دستاوردهای آنان پس از جنگ در غرب (با تأکید بر حق رأی زنان). *پژوهشنامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فصلنامه علمی پژوهشی، ۹(۲)، تابستان، ۱۵۱-۱۷۹.

21. Cynthia, Enloe. (1990). *Women and War*. University of California Press.



Characteristics of Imam Khamenei's Governance

Maryam Esmaeili Parzan

PhD Graduate, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University
m.esmaeli0621@gmail.com

Abstract

In the political thought of the martyred Imam Khamenei, the concept of governance, unlike prevailing Western models based on separating power from the people and reducing citizenship to periodic voting, is grounded in the interaction between Imam (leadership) and Ummah (believers' community). This qualitative content-analysis study conceptualizes the Revolution's martyred leader's governance model and identifies four main characteristics: "strategic understanding of the enemy" as an existential necessity against hybrid warfare; "religious democracy," wherein the people are history's true makers and justice's focal point; "ethical monotheistic conduct" rooted in humility, avoiding blind Western imitation, and emphasizing a Quranic lifestyle; and "civilization-building" marked by justice-seeking, anti-corruption, officials' moral integrity, and meritocracy. This governance model intelligently responds to historical challenges, viewing security as dependent on insight, legitimacy on popular participation, and system sustainability on civilization-building. The study demonstrates that Islamic Iran's transformation from a nation-state to a global civilization-builder is achievable through these pillars and cultivating revolutionary leaders.

Keywords: Governance, Martyr Imam Khamenei, understanding the enemy, religious democracy, ethics of governance.



خصائص حكم الإمام الخامنئي

مريم إسماعيلي بارزان

حاصل على الدكتوراه في الفقه وأصول الشريعة الإسلامية، جامعة آزاد الإسلامية

m.esmaeli0621@gmail.com

الملخص

في الفكر السياسي للإمام الشهيد، يتركز مفهوم الحكم خلافاً للنماذج الغربية السائدة التي تقوم على فصل السلطة عن الشعب واختزال دور المواطن في مجرد التصويت في فترات محددة على التفاعل الجوهري بين الإمامة والأمة. تهدف هذه الدراسة إلى بلورة نموذج الحكم لدى القائد الشهيد للثورة وتوضيح خصائصه، وذلك بالاعتماد على المنهج النوعي وأسلوب تحليل المضمون. وقد خلصت الدراسة إلى تحديد أربع خصائص رئيسية، هي: الفهم الاستراتيجي للعدو بوصفه ضرورة وجودية لبقاء النظام في مواجهة الحروب الهجينة، والديمقراطية الدينية التي يُعد فيها الشعب الصانع الحقيقي للتاريخ ومحور السعي نحو العدالة. السلوك الأخلاقي ونمط الحياة القائم على التوحيد وهو نهج يركز على التواضع، وتجنب التقليد الأعمى للغرب، والتركيز على أسلوب حياة مستمد من القرآن إلى جانب بناء الحضارة الذي يتسم بالسعي لتحقيق العدالة، ومكافحة الفساد، والنزاهة الأخلاقية للمسؤولين، واعتماد مبدأ الجدارة والكفاءة. ويقدم نموذج الحكم هذا استجابةً ذكيةً للتحديات التاريخية؛ إذ ينظر إلى الأمن باعتباره أمراً مرهوناً بالبصيرة، وإلى الشرعية بوصفها متجذرة في المشاركة الشعبية، وإلى استدامة النظام على أنها تعتمد على عملية بناء الحضارة. وتُظهر الدراسة أن تحوّل إيران الإسلامية من مجرد دولة وطنية إلى قوة عالمية تبني الحضارة هو أمر قابل للتحقق من خلال الاعتماد على هذه الركائز وإعداد قادة ثوريين. الكلمات المفتاحية: الحوكمة، الإمام الشهيد الخامنئي، فهم العدو، الديمقراطية الدينية، أخلاقيات الحكم.

شاخصه های حکمرانی امام خامنه ای

مریم اسماعیلی پرزان

دانش آموخته دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد

m.esmaeli0621@gmail.com

چکیده

مفهوم حکمرانی در اندیشه سیاسی شهید امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) برخلاف الگوهای رایج غربی که مبتنی بر تفکیک قدرت و مردم و کاهش نقش شهروندان به صرف رأی دهنده‌گی در مقاطع زمانی مشخص است، بر محوریت تعامل «امامت» و «امت» استوار است. پژوهش حاضر با هدف مفهوم‌پردازی «مدل حکمرانی» رهبر شهید انقلاب و تبیین شاخصه‌های آن با رویکرد کیفی و تحلیل محتوا می باشد. یافته‌ها چهار شاخصه کلیدی را شناسایی کرد: «دشمن‌شناسی راهبردی» به مثابه ضرورتی وجودی برای بقای نظام در برابر جنگ ترکیبی؛ «مردم‌سالاری دینی» که در آن مردم تاریخ‌سازان واقعی و محور عدالت‌خواهی‌اند؛ «اخلاق‌مداری و سبک زندگی توحیدی» مبتنی بر تواضع، پرهیز از تقلید کورکورانه از غرب و تأکید بر سبک زندگی قرآنی؛ «تمدن‌سازی» با شاخص‌هایی نظیر عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، سلامت اخلاقی مسئولان و شایسته‌سالاری. این مدل حکمرانی پاسخی هوشمندانه به چالش‌های تاریخی است که امنیت را رهین بصیرت، مشروعیت را در مشارکت مردم و پایدار بودن نظام را در تمدن‌سازی می‌بیند. این پژوهش نشان داد گذار ایران اسلامی از دولت ملّی به تمدن‌ساز جهانی، با اتکا به این مؤلفه‌ها و تربیت مدیران انقلابی امکان‌پذیر خواهد بود. کلیدواژگان: حکمرانی، شهید امام خامنه ای، دشمن‌شناسی، مردم‌سالاری دینی، اخلاق حکمرانی.

مقدمه

حکمرانی در منظومه فکری شهید امام خامنه‌ای فراتر از مدیریت اجرایی یا اداره رسمی دولت است؛ این مفهوم به معنای فراگیرترین فرایندهای حاکمیت است که مرزهای میان نهادهای رسمی حکومت و جامعه مدنی را کم‌رنگ و تعاملات متنوعی را در بستر «ولایت فقیه» و «مردم‌سالاری دینی» تعریف می‌کند (سواری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۷). در این دیدگاه، انسان به عنوان خلیفه الهی برای رسیدن به کمال نهایی، نیازمند راهنمایی فراتر از عقل و تجربه صرف است و آموزه‌های وحیانی، نقشه راه تحقق یک نظام منسجم را ترسیم می‌کند. نظریه ولایت فقیه، به عنوان ستون فقرات این نظام، می‌کوشد ارتباطی نظام‌مند میان دین و سیاست در عرصه مدیریت جامعه ایجاد کند (مرشدی زاد، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷). شهید امام خامنه‌ای به تبعیت از مکتب امام خمینی (ره) با تأکید بر مقوله «خدمت‌گزاری» الگویی از مدیریت روحانی و اخوتی ارائه داده است که به جای آنکه بر پایه قیمومت غربی متکی باشد، بر محور شکوفایی نبوغ‌ها و همسوسازی حرکت‌ها استوار است (الهی‌نژاد، ۱۴۰۲، ص ۱۱).

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که با وجود گسترش ادبیات مربوط به سبک زندگی، اقتصاد مقاومتی و مبانی فلسفی حکومت، هنوز الگوی جامعی که به صورت تحلیلی-توصیفی، شاخصه‌های عملیاتی حکمرانی رهبر شهید انقلاب را استخراج کند و در قالب یک مدل نظری منسجم ارائه دهد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از پژوهش‌های پیشین اگرچه به جنبه‌های کلی

پرداخته اند، اغلب فاقد عمق خاصی در پیوند دادن کنش های راهبردی رهبر شهید با ارکان حکمرانی - مانند دشمن شناسی و مردم سالاری دینی، اخلاق حکمرانی حکمرانان - هستند. مسئله اصلی این است که چگونه می توان با تکیه بر بیانات ایشان، مدلی از حکمرانی ترسیم کرد که در آن، ملت با بصیرت کامل، هویت ایرانی اسلامی خود را حفظ کند و در برابر جنگ ترکیبی و نفوذ استعماری که طی دو قرن اخیر - از قاجار تا پهلوی و دوران معاصر - کشور را تهدید کرده، ایستادگی کند؟ به ویژه آنکه تاریخ نشان داده است ایران در وضعیت خطرناک «نیمه استعمار» و پیوند استبداد داخلی با استعمار خارجی بوده است؛ وضعیتی که در دوران پهلوی به اوج خود رسید و آمریکا در آن «حاکمیت مطلق» داشت (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸). بنابراین استخراج شاخصه های حکمرانی رهبر شهید انقلاب که توانسته است این چالش ها را مدیریت کند، یک خلأ پژوهشی محسوب می شود.

در بررسی پیشینه پژوهش می توان آثار متعددی را مشاهده کرد که هر کدام نگاهی جزئی به این مسئله داشته اند: سواری، توانا و ابری (۱۴۰۰) ویژگی های حکمران تراز دولت اسلامی را بررسی کرده اند؛ الهی نژاد (۱۴۰۲) به واکاوی رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و ولی فقیه پرداخته است؛ مرشدی زاد (۱۳۹۶) حکمرانی خوب در تمدن نوین اسلامی را مورد مذاقه قرار داده و قاسمی شوب و نبوی (۱۴۰۱) سبک زندگی از منظر رهبری را تحلیل کرده اند. هیچ کدام از این پژوهش ها به طور خاص به استخراج «الگوی حکمرانی» به عنوان یک سیستم یک پارچه از طریق تحلیل محتوای کیفی بیانات رهبری به ویژه در دوران زعامت و



رهبری امام شهید انقلاب نپرداخته‌اند.

مطالعه حاضر، با رویکرد تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی برای استخراج الگوها و مضامین اصلی از داده‌های جمع‌آوری شده به کار گرفته می‌شود (کیا و فقیهی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۳). واحد تحلیل، بیانات رهبر شهید انقلاب است. مراحل پژوهش این گونه بوده است که پس از تمرکز بر استخراج مستقیم و بدون واسطه شاخصه‌های حکمرانی از بیانات رهبر شهید در یک بازه زمانی گسترده و پرتلاطم (چهار دهه اخیر) که امکان رصد تحول و ثبات الگورا فراهم می‌کند، از روش «تحلیل محتوا» برای کشف ارتباط میان شاخصه‌های حکمرانی استخراج شده استفاده شده تا بتوان به الگویی کاربردی دست یافت که نشان دهد چگونه حکمرانی ایشان از حالت انتزاعی خارج و به ابزاری برای مقابله با «نیمه‌استعمار» و «تمدن‌سازی» تبدیل شده است.

الف) یافته‌ها

۱. دشمن‌شناسی راهبردی و جریان‌یابی هوشمندانه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد «دشمن‌شناسی» در اندیشه رهبر شهید انقلاب یک ضرورت وجودی و راهبردی برای بقای نظام است. تحلیل بیانات حاکی از آن است که ایشان استعمار نورانه صرفاً تغییر چهره بلکه تحولی به سمت «استعمار فرانو» و «جنگ ترکیبی» می‌دانند که هدف آن زدودن هویت اسلامی - انسانی ملت‌هاست. دشمن‌شناسی در این مدل، دو لایه دارد: نخست،

شناخت دشمن خارجی به ویژه آمریکا به عنوان «حاکمیت مطلق» تاریخی؛ دوم، شناسایی جریان های داخلی همسوبا دشمن (غرب گرایان سکولار). همان طور که در بیانات ایشان آمده است، دشمن شناسی دقیق، پیش شرط بصیرت است؛ چراکه بدون شناخت ابعاد استعمار نو، رسیدن به ایران مقتدر ممکن نخواهد بود (خامنه ای، بیانات در تاریخ ۱۸/۰۶/۱۳۹۴). این رویکرد، ملت را از انفعال بیرون برده، به سوژه ای فعال در صحنه تحولات تبدیل می کند.

۲. مردم سالاری دینی

در نظام جمهوری اسلامی، «مردم» در نقش «تاریخ سازی» نقش محوری دارند. تحلیل قانون اساسی به ویژه در اصل هشتم نشان می دهد حکمرانی مطلوب در این مدل، بر پایه اصل «جمهوریت» و «اسلامیت» استوار است. مشارکت مردم در این الگو، محدود به انتخابات نیست، بلکه شامل کلیه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی اداری می شود (قلی پور، ۱۳۸۳، ص ۷۲). نکته کلیدی در این یافته، تأکید بر «عدالت خواهی» و «رفع فقر» به عنوان اولویت های حکمرانی است. رهبر شهید انقلاب معتقد بودند پیشرفت باید همه جانبه باشد و صدای قشر محروم که تریبون نداشتند، باید شنیده شود (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۵/۰۶/۱۳۸۰). این نگاه، حکمرانی را از حالت نخبه گرا خارج و به حاکمیتی مبتنی بر اجماع و نیازهای واقعی مردم تبدیل می کند.

۳. اخلاق‌مداری و سبک رهبری توحیدی

میان «سبک رهبری پهلوی» - مبتنی بر تحقیر و خشونت - و «سبک رهبری شهید امام خامنه‌ای» - مبتنی بر تواضع، احترام و اخلاق فردی و اجتماعی - تفاوت آشکاری وجود دارد. این محور بر اهمیت «سبک زندگی توحیدی» به عنوان زیربنای تمدن نوین اسلامی تأکید دارد. در این مدل، ایمان به خدا به عنوان اساس انتخاب سبک زندگی است و تقلید از فرهنگ غربی - به دلیل ماهیت تهاجمی و فسادآفرین آن - ممنوع اعلام شده است. سبک رهبری شهید انقلاب، ترکیبی از خردگرایی، شجاعت در بیان حق و تعامل سازنده با منتقدان است که ریشه در مکتب امام خمینی (ره) دارد.

۴. تمدن‌سازی

یافته‌ها نشان می‌دهد نقطه اوج این مدل، ترسیم افق «تمدن نوین اسلامی» است. این تمدن نیازمند تولید فکر و پرورش انسان است. شاخص‌های استخراج شده از بیانات شامل عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، سلامت اعتقادی مسئولان، شایسته‌سالاری و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های ملی و جهانی است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند هدف نهایی، گذار از دولت ملی به یک تمدن‌ساز جهانی با هویت ایرانی اسلامی است.

ب) بحث

۱. دشمن‌شناسی و جریان‌شناسی

در مدل حکمرانی شهید امام خامنه‌ای، «دشمن‌شناسی» تنها یک تاکتیک

سیاسی نیست، بلکه یک ضرورت وجودی و استراتژیک برای بقای نظام و جلوگیری از فروپاشی هویت ملی و دینی است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به عنوان نقشه راه آینده، بر شناخت دشمن تأکید اکید دارد. ایشان با تفکیک دقیق «استعمار سنتی» و «استعمار نوین» نشان دادند دشمن امروز با چهره‌ای متفاوت (جنگ ترکیبی، تهاجم فرهنگی) اما با همان هدف (زدودن هویت اسلامی) ظاهر شده است (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱).

دشمن شناسی تنها محدود به شناسایی بیرونی نیست؛ بلکه نیازمند شناخت جریان‌های داخلی است که خود را با دشمن همپوشان کرده‌اند. رهبر شهید انقلاب سال ۱۳۷۴ در خطبه‌های نماز عید فطر با صراحت تمام ویژگی‌های نماینده واقعی ملت را برشمردند و از کسانی که «اسلام را نمی‌پسندند» و «به خاطر دل بیگانگان... به انقلاب و ارزش‌های انقلابی اهانت می‌کنند» برائت جستند. ایشان تأکید کردند: «آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی و مؤمن و شجاع باشد... آن کسی که بفهمد امام چه می‌گفت، چه می‌خواست و چرا می‌خروشید» (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۰۱). بنابراین در مسیر دشمن شناسی، شناخت جریان‌های غرب‌گرا در کشور که ریشه در تفکر لیبرالی و سکولار دارند و سعی در پوشاندن چهره واقعی دشمن و توجیه وابستگی داشته‌اند، بسیار اهمیت دارد.



۲. مردم سالاری دینی

مشارکت عمومی، سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب محسوب می شود که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نهادهای واسطه مشروع تحقق می یابد (حق پناه و ابوذری، ۱۳۹۱، ص ۴۰۸). قانون اساسی با تکیه بر دو رکن «جمهوریت» و «اسلامیت»، سرنوشت مردم را به دست خودشان سپرده و هرگونه استبداد فکری و انحصار اقتصادی را نفی کرده است. اصل ششم و هفتم این قانون به طور صریح، براداره امور کشور با اتکای آرای عمومی تأکید دارند. این چارچوب حقوقی، مشارکت مردم را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تضمین می کند (قلی پور، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

در اندیشه رهبر شهید انقلاب، مردم فراتر از ابزار قدرت، «تاریخ سازان» واقعی اند. این نگاه متعالی که ریشه در خلیفه الله بودن انسان دارد، بر معرفت دینی استوار است. ایشان با استناد به جمله معروف حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که «رحم الله امرء عرف من أين والی أين وفی أين» (فیض کاشانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۱۶)، ابعاد سه گانه معرفت (مبدأ، طریق و معاد) را مبنای حرکت جامعه می دانند. مردم در اندیشه امام شهید، کسانی هستند که با «ایمان» و «مجاهدت»، توطئه های دشمن را خنثی می کنند. ایشان در دیدار با مجلس خبرگان فرمودند: «اسلام بلاشک قلع و قمع کننده ظلم و استکبار است؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ [توبه: ۳۳]. یقیناً اسلام می تواند کفر را، جبهه مقابل را شکست بدهد» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶). این باور به توانایی مردم در سایه ایمان، استراتژی «ایران قوی» را

پایه ریزی می کند.

نقش مردم تنها در صحنه های دفاعی خلاصه نمی شود؛ بلکه در سازندگی و عدالت اجتماعی نیز نمود پیدا می کند. یکی از مهم ترین مسائل در جامعه اسلامی از نظر رهبری، «رفع فقر» و «رسیدگی به وضع نیازمندان» است. ایشان معتقد بودند پیشرفت اقتصادی باید همه جانبه و عادلانه باشد: «هرکاری در کشور صورت می گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم - نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد» (بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷). بنابراین حکمرانی مقتدر زمانی محقق می شود که منافع مستضعفان در اولویت قرار گیرد و مشارکت مردم در تمام عرصه ها تضمین گردد (مرشدی زاد، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲).

۳. اخلاق مداری و سبک زندگی دینی

در تحلیل اخلاقی مدل حکمرانی، جایگاه «رأس قله» و دستگاه مدیریت به عنوان عاملی تعیین کننده در هدایت جامعه برجسته است؛ چراکه حتی با وجود صلاح در بدنه مردم، اگر مدیریت از عدل، تقوا و ورع دور باشد، جامعه به سرمنزل مطلوب نخواهد رسید (بیانات در دیدار هیئت دولت، ۱۳۶۹/۰۴/۰۷). سبک زندگی در این منظومه فکری، بخش متنی و حقیقی تمدن نوین اسلامی است که اهمیت بسیاری دارد و پایه ای برای استقلال فرهنگی محسوب می شود (قاسمی شوب و نبوی، ۱۴۰۱، ص ۱۸). اساس انتخاب سبک زندگی، ایمان و نگرش توحیدی است؛ بدین معنا که سبک زندگی اسلامی باید منطبق بر آموزه های



قرآنی باشد؛ زیرا قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است و تنها با عمل به آن می‌توان عزت، رفاه و انسجام ملّی را تأمین کرد (بیانات در دیدار مردمی، ۱۳۹۶/۰۱/۲۱).

یکی از وجوه تمایز این مدل با رژیم‌های گذشته، تفاوت بنیادین در «اخلاق حکمرانی» است. در حالی که حکمرانی پهلوی مبتنی بر تحقیر و خشونت بود، الگوی امام شهید انقلاب بر اخلاق، تواضع و احترام به حقوق عمومی استوار است که بازتابی از مکتب امام خمینی (علیه السلام) است. همچنین نفی تقلید از سبک زندگی غربی به دلیل ماهیت تهاجمی و فسادآفرین آن، یک اصل کلیدی است. فرهنگ غرب به عنوان فرهنگ نابودکننده هویت بومی، بنیان‌های اجتماعی را تهدید می‌کند و از همین رو قرآن کریم نیز اطاعت از امر مسرفان و مستکبران را که منشأ فسادند، نهی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۵). بنابراین سبک زندگی توحیدی که در آن دستورهای الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از آن متأثر می‌شوند، ضامن بقا و پیشرفت جامعه اسلامی است (بیانات در دیدار مردمی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۴. تمدن‌سازی

در تحلیل نهایی مدل حکمرانی، ترسیم افق «تمدن نوین اسلامی» به عنوان غایت آرمانی و نقطه اوج این الگو قابل توجه است. تمدن وضعیتی ایدئال است که در آن کمترین میزان فساد، بی‌مبالاتی و قانون‌گریزی وجود داشته باشد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴-۱۱۵). رهبر شهید در شهریور سال ۱۳۸۵ با

تبیین شاخص های حکمرانی خوب بر مبنای آموزه های دینی، پنج محور اصلی را مطرح کردند: عدالت طلبی؛ مبارزه با فساد؛ سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان (مشمول بر ساده زیستی، تواضع، سعه صدر و پرهیز از هوای نفس)؛ شایسته سالاری در انتصابات؛ مشارکت مردم در تصمیم گیری های ملی و جهانی. این شاخص ها نشان می دهد تمدن سازی نیازمند طراحی دقیق برای حذف رذایل اخلاقی و اداری است.

نقطه عطف این نگاه، باور به ظرفیت تمدنی چند هزار ساله ایران است که در خدمت اسلام قرار گرفته و باید به یک هارتلند^۴ (Heartland) توحیدی تبدیل شود. در این مدل، ملی گرایی ایرانی با تفکر شیعی در هم آمیخته و بیداری اسلامی که پیش بینی شده بود، امروزه در منطقه محقق شده و ایران را به قطب هدایت گریه مقاومت تبدیل کرده است. برای تحقق این افق، مدیران جامعه باید ویژگی های «مؤمن، شجاع و انقلابی» را دارا باشند. همان طور که در بیانات ایشان تأکید شده است، ساخت تمدن اسلامی مستلزم دو عنصر حیاتی «تولید

۴. هارتلند یک اصطلاح ژئوپولیتیک و استراتژیک است که در لغت به معنای قلب تپنده و کانون مرکزی گفته می شود و در اصل به هسته مرکزی اوراسیا اطلاق می شود اما به گذشت زمان، معنای آن، به کانون مرکزی یک تمدن، ایدئولوژی و یا جنبش جهانی که یک گفتمان از آن سرچشمه می گیرد و به پیرامون می تابد، تغییر کرده است. مقصود از هارتلند توحیدی نیز آن است که کشور ایران، هسته مرکزی گفتمان توحید در جهان شود. بر همین اساس، کشور ایران و تمدن ایرانی باید با تمام ظرفیت تمدنی خود در هنر، سیاست، اقتصاد، عرفان، عقلانیت و ... به خدمت دین اسلام درآمده و از سطح ملی فراتر رفته و به کانونی تبدیل شود که اندیشه ناب توحیدی به عنوان مرکز ثقل ژئوپولیتیک جبهه مقاومت در برابر نظام سلطه عمل کند و ظرفیت تمدن کهن خود را برای تحقق تمدن نوین اسلامی به کار گیرد.

فکر» و «پرورش انسان» است و نقش آفرینان اصلی در این فرایند، سیاستمداران و مدیران جامعه‌اند که باید خود را به عنوان معماران آینده بدانند (بیانات در جمع اساتید فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بنابراین گذار از دولت‌محوری به تمدن‌سازی جهانی، تنها با اتکا به همین الگوی حکمرانی و تربیت نسل‌های مؤمن و کارآمد امکان‌پذیر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مدل حکمرانی شهید امام خامنه‌ای، مدلی است که با عبور از مفاهیم غربی، بر پایه‌های «دشمن‌شناسی»، «مردم‌سالاری دینی»، «اخلاق‌مداری» و «تمدن‌سازی» بنا شده است. این مدل با تأکید بر اینکه «حفظ پیروزی از رسیدن به اصل پیروزی سخت‌تر است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶)، همواره هوشیاری ملت را می‌طلبد. در این مدل، دشمن‌شناسی ضامن امنیت، مشارکت مردم ضامن مشروعیت، اخلاق ضامن پابندی به ارزش‌ها و تمدن‌سازی هدف غایی است. ایران اسلامی با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها و تحت هدایت‌های رهبر فرزانه جدید، حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی)، در حال گذار از یک دولت ملّی به یک تمدن‌ساز جهانی است که آرمان‌های نهضت‌های ضد استعماری امام خمینی (ره) و شهید امام خامنه‌ای (ره) را محقق می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد برای موفقیت در این مسیر، نیاز به اجرای دقیق این مؤلفه‌ها و پرهیز از هرگونه انحراف از مسیر تعیین شده است.



ماتریس شاخصه های حکمرانی شهید امام خامنه ای



منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. الهی نژاد، حسین (۱۴۰۲)، رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه. فصلنامه جامعه مهدوی، ۴(۲)، ۷-۳۷.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۶/۱۸). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۸/۱۲). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۰۸/۱۱). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴/۱۲/۰۱). بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۳/۰۶). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۰۲/۱۷). بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۱۲/۱۴). بیانات در دیدار مسئولان کمیته‌ی امداد امام خمینی علیه السلام.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۰۶/۰۵). بیانات در دیدار رئیس جمهوری و

اعضای هیئت دولت.

۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۳/۰۶). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری.

۱۲. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بیانات در جمع اساتید فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه.

۱۳. سواری، محمدجواد، توانا، حمید، و ابری، محمدجواد (۱۴۰۰). ویژگی های حکمران تراز دولت اسلامی از منظر امام خامنه ای. فصلنامه حکمرانی متعالی، 2(5)، 97-122.

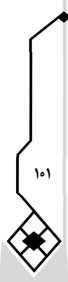
۱۴. قاسمی شوب، محمد، و نبوی، سیدمجید (۱۴۰۱). بررسی سبک زندگی از منظر آیت الله خامنه ای با تأکید بر رویکرد، مبنا و نحوه اجرا. فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، 2(۱)، 9-27.

۱۵. قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳). نقش دولت در حکمرانی خوب [رساله دکتری]، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۳۰ق). الوافی. اصفهان: عطر عترة.

۱۷. کیا، علی اصغر، و فقیهی نژاد، مهدی، (۱۳۹۷). تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه در مفاد برنامه های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، 6(11)، 33-71.

۱۸. مرشدزاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، 2(2)، 125-140.



۱۹. مکارم شیرازی، ناصرو همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی. نشریه علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه السلام، (۷۶)، 107-128

Table of Contents

Qur'anic Indicators of Resistance-Oriented Education in the Life and Conduct of Lady Zaynab (Peace Be Upon Her) / Tahereh Mohseni

The Social Mission of Lady Zaynab (Peace Be Upon Her) in the Continuation of Ashura: A Historical Model of Jihad of Clarification Based on the Teachings of the Islamic Revolution / Fatemeh Abadi

An Analysis of Jihad in the Third Model of Womanhood Based on the Life of Lady Fatimah al-Zahra (Peace Be Upon Her) / Mirza Ali Ketabi; Delbar Shoja' Abajlou

Family Psychological Security under the Threat of War: A Qur'an-Based Analysis and Behavioral Modeling from the Women of the Prophetic and Alawite Eras / Reza Safari

Indicators of the Governance Model of Martyr Imam Khamenei (May God Have Mercy on Him): From the Ruins of Neo-Colonialism to the Summit of Islamic Civilization / Maryam Esmaeili

Futures Studies on the Role of Women in Strengthening Volunteer Forces of the Resistance Front / Mashhudeh Beikzad

**Bi-Quarterly Journal of Islamic Studies on
Family and Women**

Volume 4. Year 3. Issue 4. Autumn and Winter 1404, February–March 2026

**Owner: Center for the Management of Women's Seminaries /
Kowthar Islamic Sciences Educational Complex (Peace Be Upon
Her) / Kowthar Specialized Seminary (Peace Be Upon Her)**

Managing Director: Khadijeh Jalali

Editor-in-Chief: Zahra-Sadat Mir Hashemi

Editorial Board Members:

Kobra Pourabdollah (Assistant Professor, Department of
Jurisprudence, Imam Sadiq University), Fariba Hajiali (Associate
Professor of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law,
Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Faculty
of Theology and Islamic Studies, Alzahra University), Touba Shakeri
Golpayegani (Associate Professor of Jurisprudence and Criminal Law,
Tarbiat Modares University), Fariba Alasvand (Associate Professor,
Research Center for Women and Family), Masoumeh Mazaheri
(Assistant Professor, Faculty of Humanities, Department of
Jurisprudence and Law), Raziieh Masoumi (Faculty Member, Tehran
University of Medical Sciences), Sedigheh Mahdavi-Kani (Associate
Professor, Women's Campus, Department of Islamic Jurisprudence
and Law, Imam Sadiq University), Zahra-Sadat Mir Hashemi
(Associate Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of
Islamic Law, Faculty of Theology, Alzahra University)

Executive Manager: Somayeh Sayyadi

Page Layout: Manizheh Golestani

Address: No. 18, Sheikh Fazlollah Nouri Street, 15 Khordad Street,
Tehran, Iran

Tel.: +98 21 55602857

Postal Code: 1114784643

E-mail: Jie-kowsar@whc.ir

Website: www.jie-kowsar.whc.ir

Print ISSN: 27834360